

آسیب شناسی و تبیین سیاست جنایی ایران

در قبال بزه آدم ربایی (با رویکرد فقهی و تطبیقی)

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۰۹/۱۷، تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۱۱/۰۲)

مصطفی لطفی میامی

چکیده

احترام به آزادی جسم و روان انسان و تقبیح سلب آن جز در موارد استثنایی آن هم به تجویز قانونگذار، در اعلامیه های جهانی و کنوانسیونهای بین المللی، قوانین اساسی و داخلی کشورها از جمله قوانین موضوعه ایران مورد اشاره و تاکید قرار گرفته است. اعمال واکنشهای محسوس و پیش بینی مجازاتهای شدید و لغو نهادهای تعدیل کننده مثل تعلیق-مؤبد خشم قانونگذاران و مبین جرح احساسات پاک بشری نسبت به این پدیده مذموم است. توصیف بسیاری از فقها از فروختن و ربایش انسان تحت عنوان افساد فی الارض، پیش بینی ضمانت اجرای سنگین در تاریخ قانونگذاری ایران مثل اعدام، حبس ابد و حبس بلند مدت، نشان از تجهیز دایمی زرادخانههای کیفری برای ریشه کن کردن این رویداد ناصواب دارد. تدقیق در اجزا و ارکان این جرم و مقارنه آن با مفاهیم مشابهی چون توقیف و حبس غیرقانونی و تبیین فقهی این موضوع نیز بسان خلاءهای تقنینی موجود با تطبیق حقوق فرانسه، انگلستان، مصر، سوریه و فقه امامیه در خصوص این جرم، وظیفه اساسی این مقاله است.

واژگان کلیدی: آدم ربایی، آزادی، افساد فی الارض، حبس ابد

مقدمه

ارتکاب جرم از ناحیه مجرم که مبین حالت ستیزه و ناسازگاری وی با جامعه و هنجارهای مورد قبول آن است، نظم و امنیت اجتماعی را دچار مخاطره می نماید. یکی از جرایمی که از قدیم الایام مبتلا به جوامع بوده، بزه آدم ربایی است.

آدم ربایی همانند بسیاری دیگر از جرائم علاوه بر تشویش و دلهره در مجنی علیه، اقارب وی و سایر اعضا جامعه، این نگرانی را در دل کسانی که از وقوع آن اطلاع یافته اند نیز ایجاد میکند که مبادا خود آنها یا نزدیکشان در آینده‌ای نه چندان دور در معرض ارتکاب این جرم قرار گیرند.

دستگیری شخصی بنام غلامرضا خوشرو کردان کردیه در تیر ماه سال ۱۳۷۶ در تهران که متهم به ربودن زنان و دختران بیگناه شده بود در طول محاکمه وی و مدتهای مدیدی پس از صدور و اجرای حکم اعدام موجی از اضطراب و نگرانی در کل کشور و به خصوص در شهر تهران ایجاد کرده بود.

«بر اساس گزارش روزنامهها متهم که در تمامی آنها قاتل و جنایتکار نامیده میشد با استفاده از اتومبیل های سرقتی، در پوشش مسافرکشی طعمه‌های خود را شکار میکرد و پس از تجاوز، آنها را به قتل میرساند و لوازم و اموال آنها را بر میداشت و در اغلب موارد برای این که آثاری از جنایت باقی نماند، بدن مقتولان را با بنزین به آتش میکشید.»

همچنین «یکی از خطرناکترین جرائم از نظر نظامهای جزائی کشورهای غربی جرم بچه دزدی است. رنج و عذاب مادری که کودکش را ربوده‌اند و احساس ترس و وحشتی که این جرم در سایر پدران و مادران ایجاد میکند غالب کشورهای غربی را وادار کرده است که مجازاتهای سنگین برای بچه دزدان تعیین کنند.»

آدم ربایی در قرن حاضر جنبه بین المللی یافته است. «امروزه حتی باندهای بین المللی، اطفال به خصوص دختران کوچک را می‌ربایند و آنها را برای استفاده نامشروع در آینده تربیت میکنند.»

یکی از مهم ترین باندهای بین المللی که آدم ربایی جز اعمال تبهکارانه متداول آن به شمار می‌آید باند مافیا میباشد. «مافیای سیسیلیک نهاد روستایی نیمه صنعتی بود ولی اکنون در محیط خیلی پیشرفته شهری و صنعتی تبدیل گردید. اگر روابط مافیا با سیسیلیها و ایتالیائیها بر اساس روابط سنتی بوده است. اکنون تابع روابط بروکراسی و برپایهی تخصص و

سلسله مراتب مقامات رسمی و سیستم ضوابط و هنجارها و انضباط شدید است و روابط و ملاحظات شخصی در آن راه ندارد. مافیا هر عضوی را در تخصص خودش به کار می‌گمارد. چنین تخصص‌هایی شامل آدمکشی حرفه‌ای، آتش سوزی، آدم ربایی، باجگیری، قاچاق مواد مخدر، جیب بری، اداره قمارخانه ها و غیره می‌باشد.

در تابستان سال ۱۳۷۷ نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران دست به کار بسیار جالب و سودمندی زد که عبارت بود از چاپ کتابچه‌های تحت عنوان «دانش‌تنبیه‌های انتظامی خانواده». این کتابچه که حاوی اطلاعاتی راجع به نحوه ارتکاب پاره‌های جرائم و روش های پیشگیری از وقوع آنها و نحوه پیگیری جرائم واقع شده می‌باشد و به صورت رایگان در اختیار مردم قرار داده شده است و اولین قسمت آن در ۱۵ صفحه به جرم آدم ربایی اختصاص یافته که همین امر مبین شیوع این جرم در ایران می‌باشد.

بنابراین شناخت جنبه‌های حقوقی این جرم و مطالعه ارکان تشکیل دهنده آن و بررسی واکنش اجتماعی در قبال این بزه و مقایسه مقررات قانونی مربوط به آدم ربایی بین قوانین سابق و لاحق نیز مطالعه حقوق کشورهای دیگر در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد. قبل از ورود در ماهیت بزه آدم ربایی و تجزیه و تحلیل ارکان متشکله آن، شناخت مفهوم آزادی ضروری به نظر می‌رسد، زیرا آدم ربایی جرمی است که به یکی از مهم ترین حقوق انسانی یعنی آزادی فردی خلل وارد مینماید. آنگاه از جهات گوناگون به اهمیت موضوع آدم ربایی توجه میکنیم و سپس با تعریف این جرم و تفکیک آن از مفاهیم مشابه جایگاه این بزه را در تقسیم بندیهای متداول تعیین خواهیم کرد. سرانجام با بیان روش تحقیق در رسانه حاضر و مشکلات موجود به ذکر نحوه ارائه مطالب پرداخته و مقدمه را به پایان می‌بریم.

فصل اول - کلیات

بیان مسئله

ارتکاب جرم از طرف مجرم که مبین حالت ستیزه و ناسازگاری وی با جامعه و هنجارهای مورد قبول آن است، نظم و امنیت اجتماعی را به مخاطره می‌اندازد یکی از جرایمی که از قدیم الایام مبتلا به جوامع بوده بزه آدم ربایی است.

آدم ربایی علاوه بر ایجاد تشویش و دلهره، در مجنی علیه، اقارب وی و سایر اعضای جامعه نگرانی را در دل کسانی که از وقوع آن اطلاع یافته‌اند نیز ایجاد میکند که مبدا خود آنها و یا نزدیکانشان در آینده ای نه چندان دور در معرض ارتکاب این جرم قرار گیرند!

آدم ربایی در قرن حاضر جنبه بین المللی یافته است امروز حتی باندهای بین المللی اطفال، به خصوص دختران کوچک را می ربایند و آنها را برای استفاده نامشروع در آینده تربیت میکنند.

بنابراین شناخت جنبه های حقوقی این جرم و مطالعه ارکان تشکیل دهنده آن و بررسی واکنش اجتماعی در قبال این بزه و مقایسه مقررات قانونی مربوط به آدم ربایی بین قوانین سابق و لاحق ضروری به نظر میرسد..

در انجام تحقیق حاضر به مطالعه تطبیقی و مقایسه بین مقررات کیفری جمهوری اسلامی ایران و مقررات کیفری کشورهای انگلستان، فرانسه، مصر و سوریه و نیز مقررات فقه امامیه به طور مختصر خواهیم پرداخت.

سوالات تحقیق

۱. پرسش اصلی تحقیق

قانون مجازات اسلامی برای آدم ربایی و شقوق مختلف آن تعیین کیفر نموده است ولیکن این جرم را تعریف ننموده است. این در حالی است که تعریف جرم به شناخت ماهیت آن و تمیز آن از مفاهیم مشابه کمک اساسی میکند و مسلماً همسو با اصل قانونی بودن جرم و مجازات خواهد بود.

بنابراین پرسش اساسی و اصلی تحقیق حاضر این است که تعریف جرم آدم ربایی و ارکان تشکیل دهنده این جرم چیست؟

۲. پرسشهای فرعی تحقیق

علاوه بر پرسش اصلی سوالات فرعی دیگری در ارتباط با تحقیق حاضر مطرح است از جمله اینکه:

تفاوت مفهوم آدمربایی با مفاهیم مشابه چیست؟ مفاهیمی همچون گروگان گیری و حبس و توقیف غیر قانونی وجوه اشتراک بین آدم ربایی و سرقت و گروگان گیری و حبس و توقیف غیر قانونی چیست؟

فرضیات تحقیق

در ارتباط با سوالات اصلی تحقیق، به نظر میرسد تعریف اولیه آدم ربایی، ربایش و جابجایی موجود انسانی از محلی به محل دیگر بدون رضایت وی است.

به نظر میرسد مفهوم آدم ربایی متفاوت از گروگانگیری است زیرا در گروگانگیری معمولاً

لزومی به جابجایی مجنیعلیه نیست و با انگیزه های سیاسی و اقتصادی واقع میشود و در بزه حبس و توقیف غیرقانونی مرتکب جرم معمولاً از مقامات دولتی است که شخصی را بدون ربایش و بر خلاف مقررات قانونی توقیف یا حبس مینماید.

بین مفاهیم آدم ربایی و سرقت و گروگانگیری، حبس و توقیف غیر قانونی وجوه مشترکی نیز به نظر می رسد: از جمله این که هم در آدم ربایی و هم در سرقت، شخص و مال از جایی به جای دیگر منتقل میشوند همچنین در آدم ربایی و حبس و توقیف غیر قانونی آزادی مجنی علیه سلب می شود.

اهداف تحقیق

اهداف تحقیقات ممکن است بر اساس نوع تحقیقات که کاربردی یا بنیادی یا نظری هستند متفاوت باشد. از آنجا که نوع تحقیق ما نظری و توصیفی است هدف از تحقیق حاضر نقد و تحلیل بزه آدم ربایی و تعیین و تعریف ارکان تشکیل دهنده آن و مقایسه تطبیقی با حقوق دیگر کشورهایی است که قبلاً نام برده ایم.

روش تحقیق

جهت انجام تحقیق دو روش اصلی مرسوم است یکی روش تحقیق تحلیلی، توصیفی با استفاده از کتابخانه ها و منابع علمی و دیگری روش تحقیق میدانی.

روش ما در این تحقیق روش تحلیلی، توصیفی با استفاده از کتابخانه است.

این تحقیق مشتمل بر پنج فصل است که فصل اول کلیات تحقیق اختصاص دارد و در آن به بیان مسئله و سوالات اصلی و فرعی تحقیق و فرضیات تحقیق و پیشینه و جنبه نوآوری تحقیق می پردازد.

در فصل دوم به بیان مفاهیم تعاریف و مباحث مقدماتی تحقیق پرداخته میشود.

فصل سوم عناصر متشکله جرم آدم ربایی را بررسی میکند و آدم ربایی ساده و مشدد را در دو قسمت مطالعه خواهید نمود.

فصل چهارم به واکنش اجتماعی در قبال آدم ربایی و مباحثی پیرامون آن همچون مجازات های اصلی و تکمیلی و تبعی و تنمیمی اختصاص دارد.

و سرانجام در فصل پنجم که فصل پایانی است به نتیجه تحقیق و پاسخ به فرضیات تحقیق خواهد پرداخت.

فصل دوم- مفاهیم، تعاریف و مباحث مقدماتی تحقیق

معانی و مفاهیم موضوع تحقیق:

مفهوم آزادی:

از آزادی تعاریف مختلفی توسط اندیشمندان ارائه شده است از جمله اینکه: آزادی عبارت از این است که اشخاص بتوانند هر کاری را که صلاح و مقتضی بدانند انجام دهند مشروط بر اینکه اقدامات و عملیات آنها صدمه ای به حقوق دیگران وارد نساخته و با حقوق جامعه منافات نداشته باشد والا آزادی منتج به هرج و مرج خواهد گردید. (قاسم زاده) برخی نیز معتقدند: آزادی عبارت از نبودن مانع در سر راه اندیشه درست و اعمال شایسته است. (قربانی)

از دیدگاه دیگری منظور از آزادی تن، منع تملک انسان و تحریم کار اجباری است. (بوشهری)

ارزش و اهمیت آزادی

در خصوص ارزش و اهمیت آزادی یکی از نویسندگان حقوق اساسی بیان زیبایی دارد: آزادی از مقوله حقوق موضوعه نیست تا انسانی به انسان دیگر عطاء کند. از مختصات حقوق موضوعه قطع نظر از هر تعریف و حد و رسمی آن است که جامعه آنها را بشناسد و در یکی از منابع حق آنها را تاسیس یا بر آنها صحه بگذارد. در حالی که آزادی جزء طبیعت آدمی و از جمله حقوق طبیعی اوست اعم از اینکه دولت و حکومتی آن را بشناسد یا نه... (بوشهری)

سازمان ملل متحد در موارد متعدد به مقوله آزادی و ارزش و اهمیت آن توجه کرده است. ماده ۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر را چنین مقرر داشته است که «تمام افراد بشر آزاد به دنیا می آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند...»

اهمیت موضوع آدم ربایی

شاید به جرأت بتوان ادعا کرد که پس از قتل عمد، آدم ربایی یکی از مهمترین جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص می باشد.

در ماده ۱۴ قدیمی ترین مجموعه قوانین مدون یعنی قانون حمورابی چنین می خوانیم: «ماده ۱۴ اگر شخص پسر جوان شخص دیگری را ربوده باشد باید به قتل برسد.» در منابع فقهی امامیه گاه آدم ربایی که مرتکب فروش مجنعلیه نیز شده باشد، مفسد فی

الاعراض تلقی شده و مجازات خاص قطع دست برای این عمل مقرر گردیده است. یکی از فقهای معاصر به نام مرحوم آیت الله العظمی ابوالقاسم خویی چنین نوشته اند: "هر کس انسان آزادی را بفروشد چه صغیر و کبیر باشد چه مرد و چه زن باشد دستش قطع میشود."»

در حقوق کیفری ایران نیز از زمان مشروطیت آدمربایی مورد توجه بوده است و برای اولین بار ماده ۲۷۰ قانون جزای عرفی مصوب ۱۳۳۵ هجری قمری هیئت وزیران به ربودن اطفال اختصاص یافته است.

آدم ربایی در قانون مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۰۴ هجری شمسی و اصلاحات بعدی قانون تشدید مجازات رانندگان مصوب سال ۱۳۳۵، قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص مصوب سال ۱۳۵۳، قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۶۲ و قانون مجازات اسلامی کتاب پنجم تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده مصوب سال ۱۳۷۵ مورد توجه قانون گذار قرار گرفته است.

جایگاه آدم ربایی در تقسیم بندی های متداول جرایم: اغلب نویسندگان کتب حقوق جزای اختصاصی، تقسیم بندی مشابهی از جرایم ارائه نموده اند که عبارتند از:

اول- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور.

دوم- جرائم علیه اموال و مالکیت.

سوم- جرائم علیه اشخاص.

تردیدی نیست که آدم ربایی از این جهت که موضوع آن موجود انسانی می باشد در گروه سوم یعنی جرایم علیه اشخاص جای میگیرد. جرایم علیه اشخاص بر دو نوعند: نخست جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص که مستقیماً علیه جسم و جان آدمی ارتکاب می یابند مانند قتل و ضرب و جرح و دوم جرایم علیه شخصیت معنوی اشخاص.

بر خلاف جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص که نتیجه آنها ایراد صدمه بدنی و آسیب مادی به اشخاص می باشد "نتیجه و ضرر جرایم علیه شخصیت معنوی اشخاص عاید روح و شخصیت معنوی افرادی می گردد."

علی الاصول در نتیجه ارتکاب نفس آدم ربایی صدمه بدنی و مادی به اشخاص وارد نمیشود بنابراین آدمربایی در زمره جرایم علیه شخصیت معنوی اشخاص است که توأم با جبر و

عنف مادی و عملی بر ضد آزادی تن انسانها ارتکاب مییابد.

فصل سوم- بررسی عناصر متشکله جرم آدمربایی

مطالعه قوانین کیفری در خصوص آدمربایی نشاندهنده این نکته مهم است که قانونگذار قبل از انقلاب اسلامی و قانونگذار پس از انقلاب اسلامی همواره آدمربایی را در دو حالت جداگانه در نظر گرفته است. حالت اول را که عاری از علل تشدید کننده کیفر است آدمربایی ساده و حالت دوم را که توأم با علل مذکور است آدمربایی مشدد می‌نامیم و در دو فصل جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

آدمربایی ساده

آدمربایی ساده شامل ربودن اطفال تازه متولد شده و اشخاص دارای سن پانزده سال تمام و بیشتر می‌باشد و لیکن قبل از بررسی این موارد تعریف آدمربایی که موضوع پایان نامه حاضر می‌باشد ضرورت دارد.

تعریف:

قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵ و قوانین سابق بر آن آدمربایی را تعریف نکرده‌اند و به بیان نحوه عمل، اشخاص مورد ربایش، مجازات و ... اکتفاء شده است.

ربودن در لغت عبارتست از: «به تردستی و چابکی و حيله از کسی چیزی را گرفتن، به زور و سرعت چیزی را از شخصی بردن» همچنین «منظور از ربایش نقل مکان دادن مال از محلی به محل دیگر می‌باشد.» بنابراین آدمربایی را میتوان چنین تعریف کرد:

آدمربایی عبارتست از ربودن موجود انسانی و نقل مکان دادن او از محلی به محل دیگر برخلاف میل و اراده وی.

با توجه به این تعریف مفهوم آدمربایی از پاره‌ای مفاهیم نزدیک به آن تمیز داده می‌شود. به عنوان مثال وفق ماده ۱۹۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰: «سرقت عبارت است از ربودن مال دیگری بطور پنهانی.» فلذا موضوع سرقت، مال منقول متعلق به غیر می‌باشد در حالی که موضوع آدمربایی، موجود انسانی می‌باشد. و از این جهت استعمال عبارت «سرقت انسان» در بند ج ماده ۶۲۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات به نظر برخی از حقوقدانان برخلاف تعریف سرقت می‌باشد. همچنین مال مسروق باید قابل تملک باشد در

حالی که انسان مال قابل تملک نیست.

آدمربایی با توقیف غیرقانونی موضوع ماده ۵۸۳ قانون مذکور نیز تفاوت دارد. زیرا در توقیف غیرقانونی که غالباً توسط مقامات یا مأمورین دولتی یا نیروهای مسلح ارتکاب می‌یابد ربودن شخص ضرورت ندارد و صرف بازداشت و نگهداری موقت شخص برخلاف قانون در محلی غیر از زندان برای تحقق این جرم کفایت می‌کند. در حبس غیرقانونی نیز همین وضعیت وجود دارد با این تفاوت که مجنی علیه بدون مجوز قانونی در زندان نگهداری و محبوس می‌شود.

همچنین اخفاء اشخاص که میتوان با توجه به مواد ۵۸۳ و ۶۲۱ و ۶۳۱ و ۶۳۵ و ۶۳۶ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ آن را به اخفاء اشخاص زنده (اعم از طفل تازه متولد شده و سایر اشخاص) اخفاء اموات و اخفاء مقتولین تقسیم‌بندی کرد جرمی است متفاوت از آدمربایی که به صرف مخفی کردن اشخاص تحقق می‌یابد. البته گاه آدمربایی می‌تواند مقدمه‌ای برای ارتکاب جرائم توقیف و حبس غیرقانونی باشد و اخفاء اشخاص نیز در غالب موارد پس از آدمربایی واقع می‌شود.

در خصوص گروگانگیری نیز که در برخی از کشورها مانند انگلستان جرم مستقلی محسوب می‌شود باید به تفاوت موضوع یا آدمربایی توجه کرد. گروگانگیری که در عمل نوعی توقیف غیرقانونی می‌باشد در حقوق جزای انگلستان عبارت است از «توقیف اشخاص توسط هر کسی به منظور در فشار قرار دادن یک دولت، سازمان دولتی بین‌المللی یا شخصی برای انجام یا ترک انجام هر نوع عملی، تهدید به قتل، تهدید به ایراد ضرب و جرح یا تهدید به ادامه دادن بازداشت گروگان.» بدیهی است آدمربایی می‌تواند مقدمه گروگانگیری نیز باشد.

عناصر تشکیل دهنده جرم ربودن طفل تازه متولد شده

معمولاً فعل یا ترک فعل مجرمانه از سه عنصر اساسی قانونی، مادی و روانی ساخته می‌شود. این عناصر در بزه ربودن طفل تازه متولد شده به شرح ذیل می‌باشند.

الف) عنصر قانونی

برای نخستین مرتبه در مقررات کیفری ایران مادتين ۱۹۵ و ۱۹۶ قانون مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۰۴ ربودن طفل تازه متولد شده را جرم تلقی و برای آن مجازات

تعیین کرده‌اند.

«ماده ۱۹۵ - هر کس طفلی را که تازه متولد شده است بدزدد یا مخفی کند یا او را به جای طفل دیگر یا متعلق به زن دیگر غیر از مادر طفل دهد به شش ماه الی سه سال حبس تأدیبی محکوم خواهد شد.»

مجنی علیه مذکور در ماده ۱۹۵ طفلی است که زنده متولد شده است اما چنانچه زنده بودن طفل تازه متولد شده مسلم نبوده و یا ثابت شود که اساساً طفل به صورت مرده متولد شده، مجازات مرتکب خفیفتر بوده و ماده ۱۹۶ قانون مذکور حاکم بر قضیه می‌باشد. «ماده ۱۹۶ - هرگاه طفلی که موضوع تقلبات مذکور واقع شده زنده بودنش مسلم نشده باشد مجازات مقصر از یک ماه الی شش ماه حبس تأدیبی است و اگر مسلم شود که طفل مزبور متوفی بوده مجازات مقصر از یازده روز تا دو ماه حبس تأدیبی خواهد بود.» البته تبصره ماده ۹ قانون مجازات عمومی اصلاحی مصوب سال ۱۳۵۲ اصطلاح حبس تأدیبی را حذف و اصطلاح حبس حنجه‌ای را جایگزین آن نمود.

به هر حال ماده ۱۹۵ قانون مجازات عمومی ارتکاب اعمال زیر را جرم تلقی کرده است:

- ۱- ربودن طفل تازه متولد شده.
 - ۲- مخفی کردن طفل تازه متولد شده.
 - ۳- طفل تازه متولد شده‌ای را بجای طفل دیگر قلمداد کردن.
 - ۴- طفل تازه متولد شده‌ای را متعلق به زنی غیر از مادر طفل قلمداد نمودن.
- همان گونه که بیان شد قانونگذار ربودن طفل تازه متولد شده را در سه حالت پیش‌بینی کرده است:

- ۱- زنده بودن طفل مسلم بوده است.
 - ۲- مرده بودن طفل مسلم بوده است.
 - ۳- زنده بودن طفل مسلم نبوده است.
- مجازات عمل در حالتهای دوم و سوم خفیفتر است زیرا عرفاً ربودن طفل مرده یا طفلی که زنده بودنش مسلم نبوده از اهمیت کمتری برخوردار می‌باشد.
- با تصویب قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) در سال ۱۳۶۲ ماده ۹۷ که تنها ماده این قانون در خصوص آدم‌ربایی است جایگزین مادتين ۱۹۵ و ۱۹۶ مارالذکر گردید.

«ماده ۹۷ - هر کس طفلی را که تازه متولد شده است بدزدد یا مخفی کند یا او را به جای طفل دیگری یا متعلق به زن دیگر غیر از مادر طفل قلم دهد به شش ماه الی سه سال مجازات حبس محکوم خواهد شد و اگر مسلم شود که طفل مزبور مرده بوده مجازات مقصر تا ۷۴ ضربه شلاق خواهد بود.»

ماده ۹۷ تلفیقی از دو ماده ۱۹۵ و ۱۹۶ می باشد به این ترتیب که صدور ماده ۹۷ عینا از ماده ۱۹۵ اقتباس شده و فقط به جای عبارت «حبس تأدیبی» از اصطلاح «حبس» استفاده شده است. علت این اختلاف نیز واضح است زیرا حبس تأدیبی در سیستم مجازاتهای سابق که به جنایت، جنحه و خلاف تقسیم می شدند کاربرد داشته است و حبس تأدیبی یا همان حبس جنحه‌ای در جرائم جنحه‌ای مد نظر قرار می گرفته است. در حال حاضر ماده ۶۳۱ قانون مجازاتهای اسلامی (بخش تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده) مصوب سال ۱۳۷۵ عنصر قانونی جرم ربودن طفل تازه متولد شده را تشکیل می دهد.

«ماده ۶۳۱ - هر کس طفلی را که تازه متولد شده است بدزدد یا مخفی کند یا او را به جای طفل دیگری یا متعلق به زن دیگری غیر از مادر طفل قلمداد نماید به شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد و چنانچه احراز شود که طفل مزبور مرده بوده مرتکب به یکصد هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.»

ماده ۶۳۱ تقریبا تکرار ماده ۹۷ سابق است با این تفاوت که در خصوص ربودن طفل تازه متولد شده‌ای که مرده بودنش احراز شده مجازات نقدی جایگزین شلاق شده است. جرم ربودن طفل تازه متولد شده در قانون مجازات مصر مصوب سال ۱۹۳۷ نیز پیش‌بینی شده است.

ماده ۲۴۵ این قانون عنصر قانونی این جرم را تشکیل داده و موارد ذیل را پیش‌بینی نموده است:

اول - ربودن طفل تازه متولد شده.

دوم - مخفی کردن طفل تازه متولد شده.

سوم - جا به جا کردن طفل تازه متولد شده با طفل دیگر.

چهارم - نسبت دادن طفل تازه متولد شده به زنی غیر از مادر طفل به ناحق.

ماده ۴۷۸ قانون مجازات سوریه مصوب ۱۹۴۹ عنصر قانونی جرمی را تشکیل می‌دهد که شباهت بسیاری به جرم ربودن طفل تازه متولد شده دارد با این تفاوت که مجنی علیه این جرم دارای سن کمتر از هفت سال می‌باشد.

(ب) عنصر مادی

همانگونه که مرحوم دکتر عبدالحسین علی‌آبادی فرموده‌اند: « برای این که جرمی وجود خارجی پیدا کند پیدایش یک عنصر مادی ضرورت دارد زیرا خلجان فکر برای ارتکاب جرم کافی نمی‌باشد و اگر سیاست جنائی کشور به صرف قصد ارتکاب جرم اشخاص را مجرم بداند موجب این خواهد شد که در اعماق وجدان اشخاص تجسّسات غیرقابل اغماض به عمل آید و غالباً اشخاصی بدون این که برای جامعه خطرناک باشند مجازات شوند.»

عنصر مادی جرم ربودن طفل تازه متولد شده از اجزاء ذیل تشکیل می‌شود:

۱- وجود طفل تازه متولد شده

برای تحقق این جرم اولاً باید وجود طفل اثبات شود یعنی بایستی طفلی وجود داشته باشد که مورد عمل ربایش قرار بگیرد. چنانچه وجود چنین طفلی محل تردید باشد صدور حکم براساس ماده ۶۳۱ مجوز قانونی ندارد. ثانیاً مجنی علیه می‌بایستی «طفل تازه متولد شده» باشد. بنابراین ربودن طفلی که مثلاً سه سال سن دارد از شمول ماده مذکور خارج است. همچنین بعید به نظر می‌رسد که جنین ناقص التریب که قبل از ماه ششم بارداری و به صورت مرده متولد شده مشمول این ماده باشد.

قانون مجازات اسلامی ضابطه‌ای برای تشخیص «طفل تازه متولد شده» ارائه نکرده است و به نظر می‌رسد برای تشخیص این امر می‌بایستی به عرف جامعه مراجعه نمود. عرفاً طفل تازه متولد شده نوزادی است که بیشتر از چند روز از ولادت وی نگذشته و چهره وی به راحتی قابل تمیز از همزادان او نمی‌باشد به نحوی که امکان جابجائی وی با طفل دیگر و یا انتساب او به زنی غیر از مادر واقعی وجود داشته باشد. در این زمینه یکی از نویسندگان حقوق جزای مصر چنین می‌نویسد:

«لازم است که جرم بر طفل تازه متولد شده واقع شده باشد و این عبارت بر طفلی اطلاق می‌شود که چند ساعت یا چند روز پیش متولد شده است ... بنابراین ماده ۲۴۵ قانون

مجازات بر ربودن طفلی که سن او بیش از یک ماه است و نامش در دفتر موالید واقع شده در ماه قبل قید گردیده انطباق ندارد.»

اما همان گونه که قبلاً بیان شده مطابق ماده ۴۷۸ قانون مجازات سوریه در این کشور نیازی نیست که طفل، تازه متولد شده باشد و داشتن سن کمتر از هفت سال کفایت می‌کند.

مجدداً متذکر می‌شود که ماده ۶۳۱ قانون مجازات اسلامی، طفل تازه متولد شده را در دو حالت فرض نموده است. نخست حالتی که طفل تازه متولد شده زنده بوده و دوم حالتی که احراز شود طفل مزبور مرده بوده است. بنابراین چنانچه احراز نشود که طفل تازه متولد شده مرده بوده، طفل مزبور زنده فرض می‌شود.

در مورد فاعل این جرم به عقیده برخی از حقوقدانان «عموم لفظ هر کس، شامل والدین، ماما، کارکنان زایشگاهها و سایر افراد می‌شود.»

همچنین «سئوالی که در ارتباط با جرم ربودن طفل تازه متولد شده ممکن است به ذهن راه یابد این است که اگر طفلی در اثر رابطه نامشروع یا ازدواج غیرقانونی تازه متولد شده باشد و موضوع جرم پیش‌بینی شده در ماده ۱۹۵ قرار گیرد آیا باز هم عامل قابل مجازات است؟ به نظر می‌رسد با توجه به توضیحاتی که قبلاً داده شده و با عنایت به این مطلب که ماده فقط صحبت از «طفل تازه متولد شده» می‌کند و اشاره‌ای به روابط مشروع و نامشروع ندارد، لذا پاسخ سئوال فوق مثبت است به این معنی که مرتکب باز هم قابل مجازات است. بدیهی است تفاوتی ندارد که طفل تازه متولد شده مذکر یا مؤنث باشد.

وجود طفل تازه متولد شده برای تحقق جرم کافی نیست و جزء دیگری نیز برای تکمیل عنصر مادی ضرورت دارد. این جزء عبارت است از «فعل ربایند.»

۲- فعل ربایند

آدم‌ربا می‌بایستی مرتکب یک فعل مادی شود. با توجه به تعریفی که از آدم‌ربائی شد، عمل آدم‌ربا یک عمل مادی و فیزیکی به نام «ربایش» می‌باشد. بدیهی است عمل ربایش یک فعل مثبت می‌باشد و اصولاً ترک فعل نمی‌تواند عنصر مادی ربودن آدمی را تشکیل دهد زیرا برای تحقق ربایش، نقل و انتقال طفل تازه متولد شده از محلی به محل دیگر ضرورت دارد.

فعل ربایش ممکن است توأم با اعمال اکراه و عنف و یا توأم با حيله و نیرنگ و یا بدون اینها باشد که در هر حال تأثیری در نتیجه ندارد.

با توجه به عنصر مادی جرم ربودن طفل تازه متولد شده جرم مذکور از جمله «جرائم آنی» محسوب می‌شود نه «جرائم مستمر»، زیرا به محض ارتکاب فعل ربایش، عنصر مادی خاتمه می‌پذیرد.

همچنین یک بار ربودن طفل تازه متولد شده برای تحقق این جرم کفایت می‌کند و نیازی برای ارتکاب متوالی آن تا جرم تلقی شود نیست و از این نظر جرم ربودن طفل تازه متولد شده از جمله «جرائم ساده» می‌باشد نه از «جرائم اعتیادی»

ج) عنصر روانی

همانگونه که یکی از نویسندگان حقوق جزا معتقد است، برای تحقق جرم علاوه بر دو عنصر قانونی و مادی، وجود عنصر روانی هم ضرورت دارد. ارتکاب یک عمل مجرمانه به خودی خود دلیل وجود عنصر روانی نیست و در مواردی با آن که عمل مجرمانه‌ای صورت می‌گیرد، قانون مرتکب آن را به خاطر فقدان قصد مجرمانه یا مسئولیت جزائی، قابل مجازات نمی‌داند. به طور کلی برای آن که عنصر روانی تحقق پیدا کند وجود دو عامل ضرورت دارد: یکی اراده ارتکاب و دیگری قصد مجرمانه (یا خطای جزائی). اراده ارتکاب آن است که شخص بخواهد عمل مجرمانه‌ای را انجام دهد... از طرف دیگر عملی که با اراده ارتکاب انجام می‌یابد، چنانچه با قصد مجرمانه یا خطا توأم نباشد، باز به این خاطر که فاقد عنصر روانی است، جرم تلقی نمی‌شود. با توجه به مطالبی که ذکر شد می‌گوییم:

عنصر روانی = اراده ارتکاب + قصد مجرمانه (در جرائم عمدی) یا خطا (در جرائم غیرعمدی) به این ترتیب برای تحقق جرم ربودن طفل تازه متولد شده عنصر روانی نیز ضرورت دارد. از طرف دیگر بدیهی است که این جرم در زمره جرائم عمدی می‌باشد فلذا برای تحقق عنصر روانی علاوه بر اراده ارتکاب وجود قصد مجرمانه یا سؤنیت ضرورت دارد و سؤنیت عبارت است از «اراده بر تحقق نتایج عمل مجرمانه».

پس اگر به عنوان مثال شخصی طفل تازه متولد شده‌ای را به تصور اینکه فرزند خود او است از محلی برداشته و به محل دیگری انتقال دهد عمل به لحاظ فقدان سؤنیت جرم ربودن طفل تازه متولد شده نمی‌باشد.

در خصوص عنصر روانی جرم ربودن طفل تازه متولد شده در حقوق جزای مصر «برخی معتقدند که برای کامل شدن این جرم قصد خاص از بین بردن حالت نسب لازم است. نظر صحیح آن است که قصد جنائی در این جرم کامل می‌شود هنگامی که جانی عمل را از روی علم و آگاهی انجام داده باشد.»

یکی دیگر از جرائم مربوط به آدم‌ربایی ساده عبارت است از جرم ربودن اشخاص دارای سن پانزده سال تمام و بیشتر که ذیلاً به آن می‌پردازیم.

ربودن اشخاص دارای سن پانزده سال تمام و بیشتر در مورد جرم آدم‌ربایی موضوع جالب توجه این است که قانونگذار در ایران از قدیم‌الایام همواره سن پانزده سال تمام برای مجنی علیه را مبنای تفکیک آثار قانونی و میزان مجازات آدم‌ربایی قرار داده است. سال نیز مطابق ماده ۶۱۲ قانون آئین دادرسی مدنی ۱۲ ماه و ماه مطابق با ماه شمسی می‌باشد.

الف) عنصر قانونی

برای نخستین مرتبه ماده ۲۰۳ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ بزه ربودن پسر یا دختری که بیش از پانزده سال و کمتر از بیست سال داشته باشند را پیش‌بینی نمود و در خصوص ربودن اشخاصی که دارای سن بیست سال و بیشتر بودند ساکت بود.

«ماده ۲۰۳ - هر کس به حیله یا اکراه پسر یا دختری را که سنش زیاده بر پانزده سال و کمتر از بیست سال است برباید یا مخفی کند اعم از این که شخصا باشد یا به واسطه غیر از شش ماه تا سه سال به حبس تأدیبی محکوم خواهد شد.»

با اصلاحات بعمل آمده در سال ۱۳۳۷ مواد ۲۰۲ و ۲۰۳ قانون مجازات عمومی تغییر یافتند و ماده ۲۰۳ اصلاحی قید کمتر از بیست سال را حذف و بجای عبارت «پسر یا دختری» از اصطلاح «مجنی علیه» استفاده نمود و به این ترتیب ربودن اشخاص دارای سن بیش از پانزده سال را به طور کامل پیش‌بینی نمود.

«ماده ۲۰۳ اصلاحی - هرگاه مجنی علیه مذکور در ماده ۲۰۲ بیش از پانزده سال داشته باشد مجازات مرتکب حداقل مجازات‌های مذکور در آن ماده خواهد بود مگر در صورتی که آسیب وارد شده موجب فوت مجنی علیه گردد که در این صورت مجازات مرتکب اعدام است.»

ضمنا ماده ۲۰۹ اصلاحی سال ۱۳۱۲ قانون مجازات عمومی در چهار بند ربودن اشخاص دارای سن پانزده سال و بیشتر (و نیز اشخاص دارای سن کمتر از پانزده سال) را به منظور عمل منافعی عفت یا برای وادار کردن به عمل مزبور و یا به منظور ازدواج با مجنی علیها را پیش‌بینی کرد.

همچنین قانونگذار در سال ۱۳۳۵ با تصویب ماده واحده قانون تشدید مجازات رانندگان متخلف ربودن اشخاص را به هر سنی به قصد ارتکاب سه جرم قتل یا سرقت یا هتک ناموس به کمک وسیله نقلیه مشمول مجازات شدیدتری دانست.

در سال ۱۳۵۳ قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص در ۱۲ ماده به تصویب رسید و ماده ۱۲ آن صراحتاً مواد ۲۰۲ و ۲۰۳ قانون مجازات عمومی را لغو نمود. مواد ۱ و ۴ و ۵ این قانون به مجنی علیه دارای سن پانزده سال و بیشتر اشاره دارند. به موجب ماده ۱ این قانون:

«ماده ۱- هر کس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یابه هر منظور سؤ دیگر به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر شخصی را برباید یا مخفی کند به حبس جنائی درجه دو از دو تا ده سال محکوم خواهد شد در صورتی که سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد مجازات مرتکب حبس جنائی درجه یک از سه تا پانزده سال خواهد بود.»

قید عبارت «به هر منظور سؤ دیگر» در این ماده سبب نسخ ضمنی بندهای الف و ج ماده ۲۰۹ قانون مجازات عمومی که به ربودن به منظور عمل منافعی عفت یا وادار کردن به عمل مزبور اختصاص داشت گردید.

با عنایت به آنچه که بیان شد عنصر قانونی ربودن اشخاص دارای سن پانزده سال تمام و بیشتر تا زمان تصویب قانون مجازاتهای اسلامی در سالهای ۶۱ و ۶۲ عبارت بود از بندهای ب و د ماده ۲۰۹ قانون مجازات عمومی سابق، ماده واحده تشدید مجازات رانندگان متخلف مصوب ۱۳۳۵ و قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص مصوب ۱۳۵۳.

با تصویب قوانین حدود و دیات و قصاص و نیز تعزیرات در سالهای ۶۱ و ۶۲ قوانین مذکور در خصوص آدم‌ربایی در قسمتهائی که مخالف موازین شرعی بودند نسخ شدند ولیکن در مواردی که مخالفتی با شرع مقدس اسلام نداشتند به اعتبار خویش باقی ماندند و این وضعیت تا سال ۱۳۷۵ یعنی زمان تصویب قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات)

ادامه داشت و محاکم دادگستری به قوانین مذکور استناد می نمودند.

«در قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۶۲ و قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ موادی که به طور صریح یا ضمنی مفاد و مندرجات ماده ۲۰۹ و بندهای آن از قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ را نسخ کرده باشد وجود ندارد و ماده مذکور کماکان به قوت خود باقی است، مگر آن که قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص مصوب سال ۱۳۵۳ مجازات مرتکب را تغییر داده باشد که در این صورت قانون مزبور باید مورد نظر قرار بگیرد.»

همچنین شعبه چهارم دیوان عالی کشور در رأی شماره ۴/۷۳۶ مورخ ۷۳/۱۱/۱۹ چنین اظهار نظر می نماید:

«... یادآوری می گردد که قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص مصوب ۱۳۵۳ در مواردی که مخالف قوانین شرعی و مصوب نیست به قوت خود باقی است.»
به هر حال پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تا سال ۱۳۷۵ بجز آن چه که در سال ۱۳۶۲ و در ماده ۹۷ قانون تعزیرات در مورد ربودن طفل تازه متولد شده مقرر شده بود، قانون دیگری در مورد موضوع مهم آدم ربایی به تصویب نرسیده بود و محاکم با در نظر گرفتن موازین شرعی و قانونی به قوانین سابق الصدور در این زمینه مراجعه و استناد می نمودند.

سرانجام در سال ۱۳۷۵ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) با وضع ماده ۶۲۱ در خصوص آدم ربایی سعی کرد با وضع یک ماده به طور خلاصه جایگزین ماده ۲۰۹ قانون مجازات عمومی سابق ماده واحد قانون تشدید مجازات رانندگان متخلف و نیز قانون مجازات ربایندگان اشخاص مصوب سال ۱۳۵۳ گردد.

نمونه دیگر ماده ۶۲۱ قانون تازه است که با الهام از قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص مصوب ۱۸ اسفند ماه ۱۳۵۳ نوشته شده که البته به دلایل شرعی تغییراتی در آن داده شده است.

«ماده ۶۲۱ - هر کس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگر به عنف یا تهدید یا حیل یا به هر نحو دیگر شخصا یا توسط دیگری شخصی را برباید یا مخفی کند به حبس از پنج تا پانزده سال محکوم خواهد شد در صورتی که سن مجنی

علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد یا ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد و در صورت ارتکاب جرایم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌گردد.

تبصره - مجازات شروع به ربودن سه تا پنج سال حبس است.

با مذاقه و مفاد ماده ۶۲۱ و مقررات سابق در خصوص آدم‌ربایی در خصوص قانون حاکم و عنصر قانونی به نتایج ذیل دست می‌یابیم:

اول - ماده ۶۲۱ با ذکر عبارت «به هر منظور دیگر»، آدم‌ربایی را به هر منظوری جرم دانسته و مستلزم مجازات می‌داند بنابراین مقررات ماده ۲۰۹ قانون مجازات عمومی سابق و بندهای چهارگانه آن که آدم‌ربایی به منظور عمل منافعی عفت یا وادار کردن به عمل مزبور یا به‌منظور ازدواج را جرم تلقی نموده بود را نسخ ضمنی کرده است.

دوم - عبارت «ربودن توسط وسایل نقلیه» در ماده ۶۲۱ ناسخ ماده واحده قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص می‌باشد.

سوم - با وضع ماده ۶۲۱ ماده ۱ قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص مصوب سال ۱۳۵۳ منسوخ می‌باشد.

چهارم - «ماده ۶۲۱ در مورد صدمه، تفکیکی میان اقسام آن قائل نشده است و احتمالاً آنها را جزء جرائم دیگر دانسته بنابراین در این خصوص و در خصوص فوت ماده ۲ منسوخ است.»

پنجم - در ماده ۳ قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص به جرائم لواط یا هتک ناموس توأم با آدم‌ربایی اشاره شده و به لحاظ عبارت «در صورت ارتکاب جرائم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌گردد.» در ماده ۶۲۱ منسوخ می‌باشد.

ششم - در مواد ۴ و ۵ قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص سه نوع صدمه احصاء شده است که عبارتند از صدمه جسمی، صدمه حیثیتی و صدمه روانی. در حالی که در ماده ۶۲۱ تنها به صدمه جسمی و صدمه حیثیتی اشاره شده بنابراین مواد ۴ و ۵ مذکور در قسمت صدمه جسمی و حیثیتی منسوخ و در قسمت صدمه روانی به اعتبار خویش باقی هستند.

هفتم - از آنجا که ماده ۶۲۱ حکم خاصی در مورد ناپدید شدن مجنی علیه در اثر

آدمربایی ندارد مقررات مواد ۴ و ۶ قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص در این زمینه نسخ نشده‌اند.

هشتم - ماده ۶۲۱ ارتکاب آدمربایی «توسط دیگری» را پیش‌بینی کرده بنابراین موضوع ماده ۷ قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص منتفی است.

نهم - ماده ۶۲۱ در خصوص ندامت آدمربا و اعاده مجنی علیه به کسان وی یا به ضابطین دادگستری مقرراتی را وضع ننموده بنابراین از این جهت نیز ماده ۸ قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص به اعتبار خود باقی به نظر می‌رسد.

دهم - عموم عبارت «هر کس» در ماده ۶۲۱ نسخ ماده ۹ قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص است زیرا ماده ۹ اخیرالذکر برای آدمربایی که بیش از پانزده سال و کمتر از هجده سال تمام داشته باشد نوعی تخفیف قضائی قائل شده است ولی عبارت «هرکس» در ماده ۶۲۱ شامل شخص آدمربایی که بیش از پانزده سال و کمتر از هجده سال نیز داشته باشد می‌گردد.

موضوع جالب توجه در قانون مجازات مصر این است که ربودن افراد ذکوری که بیش از شانزده سال تمام از سنشان می‌گذرد، آدمربایی محسوب نمی‌شود بلکه مشمول عناوینی همچون توقیف و حبس غیرقانونی می‌باشد. در این زمینه یکی از نویسندگان حقوق جزای مصر چنین می‌نویسد:

«شرط است در تطبیق ماده ۲۵۲ که ربوده شده زنی باشد که عمرش بیشتر از شانزده سال است. پس زمانی که ربوده شده مردی باشد و سنش بیشتر از شانزده سال باشد، عمل ربودن محسوب نمی‌شود بلکه باید عمل را با نصوص خاص تطبیق داد که عبارتند از گرفتن مردم و توقیف و حبس غیرقانونی ایشان.»

مواد ۵۰۰ و ۵۰۱ از قانون مجازات سوریه عنصر قانونی جرم ربودن اشخاصی که بیش از پانزده سال تمام از عمرشان می‌گذرد را تشکیل می‌دهد.

(ب) عنصر مادی

همانطور که قبلاً بیان شد برای تحقق جرم وجود عنصر مادی ضرورت دارد. در مورد ربودن اشخاص دارای سن پانزده سال تمام و بیشتر عنصر مادی از اجزاء ذیل تشکیل می‌شود:

۱- وجود شخص ربوده شده

برای وقوع جرم آدم‌ربایی می‌بایستی مجنی علیه وجود داشته باشد تا عمل ربودن نسبت به‌وی انجام شود و چنانچه وجود شخص ربوده شده اثبات نشده باشد امکان صدور حکم مبنی بر مجازات به استناد ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی وجود ندارد.

در عین حال مجنی علیه مذکور در صدر ماده ۶۲۱ می‌بایستی دارای سن پانزده سال تمام و یا بیشتر باشد. سال نیز مطابق ماده ۶۱۲ قانون آئین دادرسی مدنی دوازده ماه و ماه مطابق با ماه شمسی می‌باشد.

جنسیت فرد ربوده شده تغییری در ماهیت عمل ارتكابی ایجاد نمی‌کند زیرا اطلاق عبارت «شخصی» در ماده ۶۲۱ هم مردان و هم زنان را در برمی‌گیرد.

سئوالی که در اینجا ممکن است مطرح شود این است که آیا ربودن شخص متوفی یا مقتول نیز آدم‌ربایی مذکور در ماده ۶۲۱ محسوب می‌شود یا خیر؟

به نظر می‌رسد با توجه به سیاق عبارات ماده ۶۲۱ و این که در این ماده سخن از ورود آسیب جسمی یا حیثیتی به مجنی علیه به میان آمده که علی‌الاصول درباره اموات مصداق ندارد، حکم این ماده مربوط به اشخاص زنده می‌باشد و همانگونه که قبلاً بیان شده هدف قانونگذار از مقررات مربوط به آدم‌ربایی حمایت از آزادی تن اشخاص می‌باشد. در عین حال چنانچه قانونگذار قصد داشت ربودن اموات را نیز مشمول این ماده بداند می‌بایستی همانطور که در ماده ۶۳۱ به موضوع ربودن نوزاد مرده اشاره کرده در ماده ۶۲۱ نیز ربودن اموات را صراحتاً بیان می‌نمود. لزوم تفسیر مضیق قوانین جزائی آن هم به نفع متهم نیز مؤید این نظر است.

به هر حال در مقررات کیفری ایران حکم ربودن جسد بیان نشده و برای صرف ربودن آن مجازاتی پیش‌بینی نشده است. اما چنانچه ربودن جسد مقتولین توأم با مخفی کردن باشد و یا ربودن اجساد ایشان به منظور امحاء آثار جرم باشد مشمول مقررات خاص خود خواهد بود.

مسأله دیگری که ممکن است مطرح شود این است که اگر مرتکب جرم آدم‌ربایی به عنوان مثال قصد ربودن شخص «الف» را داشته باشد ولی در شناسایی هویت او دچار اشتباه شود و مثلاً شخص «ب» را برآید آیا عمل وی آدم‌ربایی محسوب می‌شود یا خیر؟

پاسخ اینکه، اطلاق عبارت «شخصی» در ماده ۶۲۱ هر شخصی را در بر می گیرد اعم از اینکه وی مجنی علیه مورد نظر آدمربا باشد یا نباشد و اشتباه در هویت مجنی علیه تأثیری در مسئولیت کیفی فاعل ندارد و رافع آن نمی باشد زیرا اشتباه قصد مجرمانه آدمربا را از بین نمی برد. قانونگذار ربودن هر انسانی را منع کرده و برای ارتکاب آن مجازات در نظر گرفته است. در ما نحن فیه نیز شخصی مرتکب ربودن انسانی شده، النهایه مجنی علیه، انسان مورد نظر او نبوده است ولی به هر حال وی مرتکب آدمربایی شده و قابلیت تعقیب کیفری را دارد.

همچنین بایستی توجه داشت که عواملی چون مذهب، ملیت، نژاد و ... مجنی علیه تأثیری در ماهیت جرم ندارد. در این زمینه شعبه دوم دیوان عالی کشور در رأی شماره ۲/۱۰۱۷ مورخ ۷۳/۱۲/۳ ربودن یک شخص بهائی را از مصادیق آدمربایی دانسته است: «... مورد از موارد آدمربایی و منطبق با ماده ۴ قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص می باشد و دادگاه توجهی به ماده استنادی در کیفر خواست ننموده است».

در پایان این قسمت باید گفت که با توجه به عموم عبارت «هرکس» و اطلاق کلمه «شخصی» در ماده ۶۲۱ وجود رابطه نسبی یا سببی بین فرد ربوده شده و آدمربا تأثیری در ماهیت عمل ارتكابی ندارد زیرا وجود قرابت نسبی یا سببی مجوز ارتکاب جرم نمی باشد و چنانچه قانونگذار وجود چنین رابطه ای را مؤثر در عمل می دانست یقیناً به آن تصریح می نمود.

۲- فعل رباینده

به منظور ربودن شخصی که سنش پانزده سال تمام یا بیشتر می باشد، فاعل جرم آدمربایی می بایستی مرتکب یک فعل مادی شود و این عمل مادی همانگونه که قبلاً بیان شد عبارت است از «ربایش» و «ربایش» فعلی مثبت می باشد و ترک فعل نمی تواند عنصر مادی آدمربایی را تشکیل دهد زیرا برای وقوع عمل ربایش، نقل و انتقال مجنی علیه از محلی به محل دیگر ضرورت دارد.

ماده ۶۲۱ در مورد نحوه انجام عمل آدمربایی مصادیقی را نام برده که عبارتند از ربودن از طریق اعمال العنف، تهدید و حيله ذکر این موارد به آن دلیل است که در غالب موارد آدمربایی با استفاده از روشهای مذکور انجام می پذیرد. اما نکته مهم آن است که این

مصادیق تمثیلی هستند و حصری نمی‌باشند و قانونگذار در ماده ۶۲۱ با بکار بردن عبارت «یا به هر نحو دیگر» به این نکته تصریح نموده است. اما در برخی از کشورها و در بعضی موارد آدم‌ربایی جز از طریق اعمال حيله و اکراه تحقق نمی‌یابد به عنوان مثال در مصر ربودن زنان بالغ جز از راه حيله یا اکراه مجازات ندارد. در این مورد یکی از نویسندگان حقوق جزای مصر چنین می‌نویسد:

«ربودن زنان بالغ مجازات ندارد مگر این که از طریق حيله یا اکراه انجام شده باشد. اما در مورد زنی که سنش به بیش از شانزده سال رسیده و با ربوده شدنش موافقت کرده یا این که از روی اختیار از فریب دادنش پیروی کند، جرم و مجازاتی وجود نخواهد داشت.» نکته حائز اهمیت دیگر این است که آدم‌ربایی در صورتی محقق می‌شود که بر خلاف میل و رضایت فرد ربوده شده ارتکاب یافته باشد در غیر اینصورت عمل، آدم‌ربایی محسوب نمی‌شود مگر اینکه رضایت شخص به دلایلی همچون عدم بلوغ، جنون یا مستی یا ... فاقد اعتبار باشد.

در این مورد شعبه ۲۶ دیوان عالی کشور در رأی شماره ۳۷۲ مورخ ۷۵/۹/۱۲ چنین اظهار نظر نموده است:

«... چون شاکی به پای خود و با اختیار خود از محلات به اصفهان رفته لذا بر رفتن با اختیار خود که در حوزه قضائی محلات صورت گرفته عنوان آدم‌ربایی صدق نمی‌کند بلکه فقط اغفال و مقدمه جرم صورت گرفته است ...»

در بندهای «ج» و «د» و ماده ۲۰۹ قانون مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۰۴ که در اصلاحات به عمل آمده در سال ۱۳۱۲ تصویب شده رضایت اشخاصی که بیش از پانزده سال و کمتر از هجده سال تمام سن داشتند برای ربوده شدن به منظور ارتکاب عمل منافی عفت یا ازداج باعث تقلیل مجازات آدم‌ربا می‌گردید. با توجه به قمست اخیر ماده ۲۰۹ رضایت کسی که پانزده سال یا کمتر سن داشته تأثیری در کاهش مجازات مرتکب نداشته است.

موضوع دیگری که در خصوص فعل رباینده بایستی مورد توجه قرار گیرد این است که مجرد ربودن اشخاص جرم می‌باشد و چنانچه آدم‌ربا به اهداف مورد نظر خویش نیز نائل نشود کماکان به دلیل ارتکاب جرم آدم‌ربایی قابلیت تعقیب و مجازات را دارد.

در خصوص جرم آدم‌ربایی و ماهیت عنصر مادی آن، مجلس اعیان انگلستان که یک مرجع عالی قضائی می‌باشد در سال ۱۹۸۴ توضیحات مهمی به شرح ذیل ارائه داده است: «اول آن که، ماهیت این جرم عبارت است از یک نوع تعرض و تجاوز به آزادی فردی یک شخص. دوم آن که این جرم در بردارنده چهار جزء ذیل است:

(۱) گرفتن یا ربودن یک شخص توسط دیگری

(۲) از طریق اجبار یا فریب

(۳) بدون رضایت شخصی که آنچنان گرفته یا ربوده می‌شود.

(۴) بدون عذر قانونی.

سوم آن که با وجود این که نسبتاً این اواخر تقسیم‌بندی جرائم کیفری به دو طبقه جنایات و جنحه‌ها نسخ شده (ماده یک قانون جزای ۱۹۶۷ را ملاحظه کنید) آدم‌ربایی در حقوق عرفی (کامن لا) تنها به عنوان یک جنحه طبقه‌بندی شده بود.

چهارم آن که علیرغم این امر آدم‌ربایی به دلیل ماهیت آن همیشه به عنوان یک جرم بزرگ و شنیع تلقی شده است.

پنجم آن که، در گذشته جرم آدم‌ربایی در بردارنده یک جزء اضافی نیز بود، به این معنی که گرفتن و ربودن می‌بایستی از جایی در یک قلمرو به جای دیگری خارج از آن قلمرو باشد، با این وجود مدت مدیدی است که این جزء اضافی منسوخ شده و جزء ضروری برای تشکیل جرم آدم‌ربایی محسوب نمی‌شود.

ششم آن که، جرم آدم‌ربایی در گذشته صرفاً توصیف نشده به عنوان گرفتن یا ربودن بلکه مخفی کردن شخص نیز به عنوان جزء اضافی مطرح بوده، با این وجود این عنصر اخفاء نیز منسوخ شده، گرچه ممکن است این عنصر در پرونده بخصوصی یافت شود، این امر چیزی را به جزء اصلی گرفتن و ربودن اضافه نمی‌کند.»

ج) عنصر روانی

از آنجا که آدم‌ربایی از جمله جرائم عمدی می‌باشد عنصر روانی آن عبارت است از اراده ارتکاب آدم‌ربایی توأم با قصد مجرمانه یا سؤنیت - بنابراین اگر قصد شخص از گرفتن و بردن دیگری نجات وی از خطر احتمالی باشد مسلماً به لحاظ فقدان سؤنیت، عمل وی آدم‌ربایی محسوب نمی‌شود. همچنین به عنوان مثال چنانچه کسی قصد ربودن

اتومبیلی را داشته باشد که در آن سرنشینی وجود دارد و سرقت واقع شود، نمی‌توان عمل وی را آدم‌ربایی نیز محسوب نمود زیرا قصد وی صرفاً ربودن اتومبیل بوده نه ربودن شخص. ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که در ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی «قصد مطالبه وجه یا مال به قصد انتقام» بخشی از عنصر روانی را تشکیل نمی‌دهد زیرا منظور انگیزه‌های ارتکاب جرم آدم‌ربایی می‌باشد. انگیزه‌های مذکور نیز حصری نبوده بلکه جنبه تمثیلی دارند زیرا ماده ۶۲۱ در ادامه از عبارت «یا به هر منظور دیگر» استفاده نموده است. در این زمینه یکی از حقوقدانان مصری چنین می‌نویسد:

«جائز نیست خلط مبحث بین قصد جنائی و انگیزه ارتکاب جرم. پس وقتی که آشکار شده که قصد جانی مخفی کردن مجنی علیه از اولیاءاش و قطع رابطه‌اش با ایشان بوده دیگر بحث در مورد انگیزه بی‌فایده است و وجود و عدم انگیزه در صدور حکم بر جرم بودن عمل تأثیری ندارد و در غالب موارد هدف جانی غیر مشروع است... اما وقتی که هدف جانی از ربودن هدف شریفی باشد باز هم امکان منتقی شدن جرم وجود ندارد. هر چند عدالت اقتضاء دارد که مراعات این گونه انگیزه‌ها در تعیین میزان مجازات به عمل آید.»

نقش و تأثیر انگیزه در آدم‌ربایی

داعی یا انگیزه عمل مجرمانه این گونه تعریف شده است:

«انگیزه ارتکاب جرم یا به اصطلاح روانشناسان عواملی که باعث فعالیت موجود زنده می‌شود عبارت از آن تمایلات خودآگاه یا ناخودآگاه‌اند که رغبت و شوق را برای ارتکاب جرم در مجرم ایجاد می‌کنند چون مهر، محبت، عشق، سخاوت، حسادت، خشم، کینه و مانند اینها.» عده‌ای نیز گفته‌اند: «داعی تصور منفعت یا احساس خاصی است که مرتکب را به انجام عمل مجرمانه وادار می‌کند و علت روانی و مشخصه عمل مجرمانه را تشکیل می‌دهد.»

افراد ممکن است با انگیزه‌های مختلف مرتکب جرم بخصوصی شوند و علی‌الاصول انگیزه، در حقوق جزای ایران جزء عناصر تشکیل دهنده عمل مجرمانه نمی‌باشد فلذا معمولاً تأثیری در تغییر ماهیت جرم یا مجازات ندارد. اما در موارد استثنائی به حکم قانون، انگیزه جزء عناصر متشکله جرم بوده یا باعث تغییر مجازات یا تعلیق اجرای مجازات

می‌شود. به عنوان مثال، وجود انگیزه خاص «متهم نمودن دیگری» از عناصر تشکیل دهنده بزه مندرج در ماده ۲۶۹ مکرر قانون مجازات عمومی سابق (که در حال حاضر ماده ۶۹۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات جایگزین آن است) می‌باشد. در این خصوص یکی از حقوقدانان کیفری چنین می‌نویسد:

«در ماده ۲۶۹ مکرر قانون مجازات عمومی باز وجود داعی خاص از ارکان و عناصر تشکیل دهنده جرم به حساب می‌آید و بدون آن جرم تحقق پیدا نمی‌کند. مطابق قسمت الف این ماده: اگر کسی به قصد متهم نمودن غیرآلات و ادوات جرم و یا اشیاء حاصله از آن و یا اشیائی را که یافت شدن آن در تصرف یک نفر موجب اتهام او می‌گردد بدون اطلاع آن شخص در منزل یا دکان یا مغازه و یا جیب و یا اشیائی که متعلق به او است بگذارد یا مخفی کند و در اثر این عمل شخص مزبور تعقیب گردد پس از ثبوت براءت آن شخص مرتکب به طریق ذیل مجازات خواهد شد . . . »

ملاحظه می‌شود که چنانچه انگیزه خاص «متهم نمودن دیگری» وجود نداشته باشد عمل ارتكابی، جرم مندرج در ماده ۲۶۹ مکرر قانون مجازات عمومی سابق یا ماده ۶۹۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات نمی‌باشد.

همچنین ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۰۷ «انگیزه شرافتمدانه» را که متهم تحت تأثیر آن و در چنین اوضاع و احوالی مرتکب جرم شده را یکی از جهات مخففه دانسته است.

در بند ب ماده ۲۵ همان قانون اوضاع و احوالی که موجب ارتكاب جرم شده و با وحدت ملاک با ماده ۲۲ یقیناً انگیزه شرافتمدانه جزء این اوضاع و احوال به حساب می‌آید از موجبات تعلیق اجرای مجازات شمرده شده است.

اما در مورد جرم آدم‌ربایی، اثر انگیزه آدم‌ربایی در مقررات جزایی سابق ایران متفاوت از مقررات فعلی می‌باشد.

الف) در مقررات جزائی سابق ایران

قانونگذار تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۷۵ در مورد انگیزه شخص آدم‌ربا در انجام عمل آدم‌ربایی دو حکم عام و خاص را مقرر نموده بود. در حکم عام آدم‌ربایی با هر منظور و انگیزه سوئی را جرم تلقی کرده و برخی از انگیزه‌ها را که

مهمتر بودند به صورت تمثیلی نام برده بود. این انگیزه‌ها عبارتند از: انتقام، فروش مجنی‌علیه و مطالبه وجه یا مال. این حکم عام در مواد ۲۰۲ و ۲۰۳ قانون مجازات عمومی و ماده ۱ قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص مصوب سال ۱۳۵۳ ذکر شده است.

چنانچه آدم‌ربایی با انگیزه‌هائی همچون ارتکاب عمل منافی عفت یا وادار کردن به آن عمل، ازدواج یا قتل، سرقت و هتک ناموس توسط رانندگان واقع می‌شد، قانونگذار مجازاتهای خاصی را برای آدم‌ربایی با این گونه انگیزه‌ها مقرر نموده بود.

همانگونه که ملاحظه می‌شود قانونگذار با توجه به انگیزه متهم جرائم خاص مذکور را پیش‌بینی نموده به نحوی که اگر آدم‌ربا فاقد انگیزه‌های فوق‌الذکر باشد عملش قابل انطباق با این مواد قانونی نخواهد بود. در این رابطه شعبه دوم دیوان عالی کشور در رأی شماره ۳۴۴۵ مورخ ۱۳۱۹/۱۰/۲۴ چنین عنوان نموده است:

«اگر متهم به منظور ازدواج دختری را به عنف و حيله ربوده باشد عمل یا قسمت ب ماده ۲۰۹ قانون کیفر عمومی منطبق است نه ماده ۲۰۳ قانون مزبور (اگر چه در واقع و نفس‌الامر به علت ازدواج آن دختر با کس دیگر برای ازدواج با متهم مانع قانونی موجود بوده باشد).»

شعبه سوم دیوان عالی کشور در رأی شماره ۷۳۱۸ مورخ ۱۳۳۷/۱۰/۱۸ با توجه به تأثیر انگیزه متهم در تعیین عنصر قانونی جرم ارتكابی چنین مقرر داشته است:

«ربودن دختر به قصد ارتكاب عمل منافی عفت از مصادیق ماده ۲۰۹ قانون مجازات عمومی است و نظر دادگاه جنائی به این که (ربودن طفل به هر نیت که باشد مشمول ماده ۲۰۲ آن قانون است) صحیح نمی‌باشد.»

نکته قابل توجه در خصوص ماده ۲۰۹ این است که برای تحقق جرائم مندرج در آن صرف ربودن شخص با انگیزه ارتكاب عمل منافی عفت یا وادار کردن به آن عمل یا با انگیزه ازدواج کافی است و لزومی ندارد که مجرم به اهداف خویش عملاً دست یابد. در این زمینه شعبه دوم دیوان عالی کشور در حکم شماره ۱۰۲۱ مورخ ۱۳۲۵/۸/۲ مقرر می‌دارد: «برای تحقق و تمامیت جرم مندرج در بند ۱ ماده ۲۰۹ قانون کیفر عمومی کافی است که متهم زن منظور را از خانه‌اش خارج کند ولو این که قبل از وصول به مأمن و مقصد در اثر موانعی موفق به انجام عمل نگردد.»

هیئت عمومی دیوان عالی کشور نیز با صدور برخی آراء اصراری به تأثیر انگیزه در تطبیق عمل مجرمانه با ماده قانونی مربوط اشاره کرده است. از آن جمله است رأی اصراری شماره ۴۶ مورخ ۵۱/۸/۲۴ هیئت عمومی دیوان عالی کشور به شرح ذیل:

«اعتراض دادسرای استان گیلان به قرار فرجام خواسته به خلاصه این که مورد با قسمت اخیر ماده ۲۰۹ قانون مجازات عمومی و ماده ۲۰۷ همین قانون منطبق نبوده تا با گذشت شاکی خصوصی تعقیب موقوف شود، با توجه به اظهارات مجنی علیها و افسر پلیس و علی کاظمی راننده ماشین پلیس و سایر اوضاع و احوال منعکس در پرونده وارد است زیرا اعم از این که مجنی علیها طرعا سوار وسیله نقلیه شود یا به جبر و اکراه، همین که راننده مرتکب ربودن مشارالیها به قصد هتک ناموس گردد در صورت وقوع هتک ناموس به عنف یا شروع به آن، مورد مشمول ماده واحده تشدید مجازات رانندگان مصوب ۱۳۳۵ استنادی دادستان در کیفر خواست خواهد بود و استدلال دادگاه به این که اگر کسی قبل از سوار شدن به اتومبیل برای انجام عمل منافی عفت ربوده شده باشد وسیله نقلیه که در آن ربوده شده در نتیجه مؤثر نخواهد بود. با توجه به ماده واحده مارالذکر که از جمله شرایط تحقق آن وجود وسیله نقلیه است برخلاف منطوق این ماده و غیر موجه است. قضیه در فرض اثبات با ماده مور استناد دادسرا قابل تطبیق می باشد لذا قرار فرجامخواسته نقض و رسیدگی مجدد به دادگاه صادر کننده قرار منقوض ارجاع می گردد.»

همچنین هیئت عمومی در رأی اصراری شماره ۱۷۲ مورخ ۱۳۴۸/۴/۱۱ چنین بیان داشته: «دادگاه جنائی مجرد ربودن طفل و مخفی نمودن وی را در زیر لحاف از مصادیق ماده ۲۰۷ و ماده ۲۰ قانون مجازات عمومی دانسته است در صورتی که بر اعمال انتسابی به متهم به کیفیتی که دادگاه احراز کرده عنوان شروع به بزه لواط به عنف صادق نیست و با توجه به ماده ۲۰۹ قانون مجازات عمومی که ربودن طفل را به قصد عمل منافی عفت جرم مستقلی شناخته بزه انتسابی به متهم بر تقدیر ثبوت از مصادیق ماده مزبور می باشد علیهذا داد نامه فرجامخواسته نقض و رسیدگی مجدد طبق ماده ۸ قانون محاکمات جنائی به دادگاه جنائی استان دهم ارجاع می گردد.»

با عنایت به آنچه که بیان شد ملاحظه می شود که تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده در سال ۱۳۷۵ برای برخی از انگیزه ها در

آدمربایی جرائم و مجازاتهای خاصی را پیش‌بینی نموده بود فلذا انگیزه شخص آدم‌ربا در تعیین نوع جرم و مجازات مؤثر بوده است. البته همانطور که قبلاً بیان شد با تصویب قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص در سال ۱۳۵۳ بندهای الف و ج ماده ۲۰۹ قانون مجازات عمومی نسخ ضمن شده بود.

ب - در مقررات جزائی فعلی ایران

با تصویب قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده در سال ۱۳۷۵ ماده ۶۲۱ این قانون با بازگشت به اصل عدم تأثیر انگیزه در ماهیت جرم و مجازات، آدمربایی با هر انگیزه‌ای را جرم مشمول این ماده دانسته است و به این ترتیب باعث نسخ ضمنی بندهای ب و د ماده ۲۰۹ و نیز ماده واحده طرح قانونی تشدید مجازات رانندگان متخلف مصوب سال ۱۳۳۵ گردید زیرا عبارت «یا به هر منظور دیگر» را جایگزین عبارت «یا به هر منظور سؤ دیگر» مذکور در ماده ۱ قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص مصوب سال ۱۳۵۳ نموده است و در عین حال ربودن اشخاص «توسط وسائل نقلیه» را پیش‌بینی کرده است.

در پایان این گفتار باید عرض شود، در حالی که انگیزه آدم‌ربا در قانون مجازات مصر تأثیری در ماهیت جرم آدمربایی ندارد، ماده ۵۰۱ قانون مجازات سوریه برای آدمربایی با انگیزه ارتکاب عمل منافی عفت جرم و مجازات خاصی را مقرر داشته است. ماده ۴-۲۲۴ قانون مجازات جدید فرانسه نیز آدمربایی با انگیزه‌های بخصوصی را موجب تشدید مجازات می‌داند.

در انگلستان قانون جرائم جنسی مصوب ۱۹۵۶ چهار جرم مربوط به ربودن زنان و دختران را وضع کرده که در سه مورد وجود انگیزه جنسی یا انگیزه ازدواج یا تحصیل اموال زنان و دختران جزء عناصر تشکیل دهنده این جرائم می‌باشند.

پس از فراغت از بحث آدمربایی ساده پرداختن به آدمربایی مشدد ضروری به نظر می‌رسد. آدمربایی توأم با کیفیات مشدده

موقعیت مجرم ممکن است به دلایلی از نظر مجازات، تشدید شود. عده‌ای از حقوق‌دانان این علل را به دو گروه علل عمومی و علل اختصاصی تشدید مجازات، تقسیم کرده‌اند. «معمولاً تکرار و تعدد را از علل عمومی تشدید مجازات می‌دانند که در مقابل علل

اختصاصی قرار می‌گیرد، علل اختصاصی عللی هستند که گاه به دلیل وجود خصوصیتی در جرم موجب تشدید مجازات می‌شوند مانند تخریب اشیاء منقول و غیرمنقول که اگر با مواد محترقه انجام شود مجازات تشدید می‌گردد (ماده ۶۷۸ قانون تعزیرات)، که می‌توان این علتها را علل نوعی تشدید نامید و گاه تشدید به واسطه شخص مجرم یا مجنی‌علیه جرم است که تحت عنوان علل شخصی تشدید بحث می‌شوند مانند تشدید مجازات کلاهبرداران وفق ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس و ارتشاء مصوب ۱۳۶۷ و یا جرائم نسبت به اطفال و خویشاوندان در قوانین جزائی.»

ملاحظه می‌شود که علل شخصی تشدید می‌تواند به اعتبار شخص مجنی‌علیه نیز مورد بحث قرار گیرند. مانند تشدید مجازات کسی که مجنی‌علیه دارای سن کمتر از پانزده سال تمام را ربوده باشد.

گفتیم که علل عمومی تشدید عبارتند از تعدد و تکرار جرم از آنجا که آدم‌ربایی از جمله جرائم تعزیری می‌باشد قواعد تعدد آدم‌ربایی و یا تکرار آن همان است که در مواد ۴۶ تا ۴۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ آمده است و چون عنوان این فصل «آدم‌ربایی توأم با کیفیات مشدده» است صرفاً به بحث در خصوص علل اختصاصی تشدید مجازات ادم ربایی می‌پردازیم و از بحث در مورد علل عمومی تشدید مجازات یعنی تعدد و تکرار جرم خودداری می‌کنیم.

نخست به کیفیات تشدید کننده کیفر آدم‌ربایی در مقررات جزائی سابق ایران می‌پردازیم.

مبحث اول - آدم‌ربایی مشدد در مقررات جزائی سابق ایران

مجازات آدم‌ربایی در مقررات جزائی سابق ایران با توجه به عوامل گوناگونی همچون مجنی‌علیه، وضعیت مرتکب جرم، آثار و نتایج حاصل از آدم‌ربایی، جرائم توأم با آدم‌ربایی و وسیله نقلیه مورد استفاده جهت ارتکاب آدم‌ربایی تشدید می‌شد.

گفتار اول - ربودن طفلی که به سن پانزده سال تمام نرسیده است

اطفال به دلائل مختلف از جمله عدم تکامل جسمی و روحی، ضعف جسمانی و عدم قدرت بر محافظت از خویشتن، عدم توانایی در تجزیه و تحلیل صحیح مسائل و ... همواره مورد حمایت اولیاء قانونی و سایر افراد جامعه می‌باشند. قانونگذار نیز اغلب، کودکان را مورد حمایت کیفری قرار داده و با کسانی که به نحوی از انحاء متعرض جان و آزادی و

امنیت ایشان می‌شوند یا شدت عمل بیشتری مقابله کرده است. در مورد ربودن اطفال نیز قانونگذار کیفری ایران با تصویب ماده ۲۰۲ قانون مجازات عمومی در سال ۱۳۰۴ و اصلاح آن در سال ۱۳۳۷ که به صراحت ماده ۱۲ قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص مصوب سال ۱۳۵۳ نسخ شد و با تصویب ماده یک قانون اخیرالذکر به سن مجنی‌علیه توجه نموده و مجازات ربودن اطفالی را که کمتر از پانزده سال سن دارند شدیدتر از مجازات ربودن سایر اشخاص قرار داده است. ماده ۲۰۲ - قانون مجازات عمومی علاوه بر سن مجنی‌علیه به جنسیت وی نیز توجه نموده و همچنین اعمال حيله یا اکراه را در ارتکاب آدم‌ربایی مد نظر قرار داده و مجازات را تشدید کرده است.

با اصلاح ماده ۲۰۲ در سال ۱۳۳۷ مجازات باز هم شدت یافت ولیکن عامل جنسیت یا تأثیر بکارگیری حيله یا اکراه در تشدید مجازات حذف شد. با تصویب قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص مجازات ربودن اطفال باز هم شدیدتر شد و به حبس جنائی درجه یک از سه تا پانزده سال تبدیل گردید. این امکان وجود دارد که به صرف ربودن طفلی که کمتر از پانزده سال تمام سن دارد آسیب‌هایی به وی وارد شود و یا نسبت به او جرائم دیگری نیز واقع شود. قانونگذار سابق این موارد را به تفکیک به شرح ذیل پیش‌بینی نموده بود.

الف) ورود آزار یا آسیب جسمانی یا روانی یا حیثیتی به طفل اگر آدم‌ربا شخصا یا توسط دیگری به طفل آسیب جسمانی یا حیثیتی وارد می‌ساخت ماده ۲۰۲ اصلاحی قانون مجازات عمومی مجازات را از حبس مجرد از سه تا ده سال به حبس با اعمال شاقه از پنج سال تا پانزده سال تشدید می‌کرد و چنانچه آسیب وارده منتهی به یکی از نتایج مندرجه در ماده ۱۷۲ قانون مجازات عمومی می‌شد مرتکب به حبس دائم با اعمال شاقه محکوم می‌شد. نتایج هفتگانه مندرجه در ماده ۱۷۲ عبارتند از: اول - قطع عضو، دوم - نقصان عضو، سوم - شکسته شدن عضو، چهارم - از کار افتادن عضو، پنجم - مرض دائمی، ششم - فقدان یکی از حواس، هفتم - زوال عقل.

نکته دیگر این که به موجب تبصره ماده ۸ قانون مجازات عمومی اصلاحی مصوب سال ۱۳۵۲ اعمال شاقه از حبسهای جنائی حذف شد و به جای حبسهای مؤبد یا ابد یا

دائم با اعمال شاقه، حبس دائم و به جای حبس موقت یا غیر دائم با اعمال شاقه حبس جنائی درجه یک و به جای حبس مجرد حبس جنائی درجه دو تعیین شد. نهایتاً مواد ۲ و ۵ قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص جایگزین ماده ۲۰۲ در این قسمت شده و ورود صدمه جسمی یا روانی یا حیثیتی را در دو حالت پیش‌بینی کردند: حالت اول - هنگامی که به مجنی علیه صدمه جسمی یا روانی برسد که منجر به مرض دائم یا زوال عقل یا فقدان یکی از حواس یا از کار افتادن یکی از اعضای اصلی بدن او گردد. در این حالت مجازات اعدام برای مرتکب در نظر گرفته شده است. حالت دوم - هنگامی که به مجنی علیه صدمه جسمی دیگر یا صدمه حیثیتی وارد شود. در این حالت مجازات حبس دائم برای مرتکب مقرر شده است.

(ب) وقوع فوت یا ناپدید شدن طفل

در ماده ۲۰۲ اصلاحی قانون مجازات عمومی و سپس ماده ۲ قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص، وقوع فوت یا ناپدید شدن به سبب ربوده شدن طفل پیش‌بینی شده و برای آن اشد مجازات یعنی اعدام در نظر گرفته شده است.

ذکر این نکته ضروری است که در اینجا مرگ یا ناپدید شدن به صرف عمل ربودن واقع می‌شود و نیازی نیست که آدم‌ربا علاوه بر ربودن طفل عمل مادی خاصی روی وی مرتکب شود. البته بدیهی است که می‌بایستی بین عمل ربودن و مرگ مجنی علیه یا ناپدید شدن وی رابطه علیت وجود داشته باشد و مرگ یا ناپدید شدن به سبب آدم‌ربایی رخ داده باشد.

در این خصوص یکی از حقوقدانان چنین می‌نویسد:

«در عمل مواردی پیش می‌آید که مجرم می‌خواهد مرتکب جرم خاصی شود و ضمن انجام آن، شخصی مجروح یا مقتول می‌گردد. این نتیجه نامطلوب موجب تشدید مجازات جرم مطلوب می‌شود. در این قبیل موارد نه در ایراد صدمه و نه در نتیجه حاصل از آن عمد نیست، خود صدمه نیز مستقیماً به وسیله عامل جرم وارد نمی‌شود بلکه او سبب هلاک را ضمن ارتکاب جرم اصلی مورد نظر خود به وجود می‌آورد به نحوی که نمی‌توان او را مجرم غیرعمدی دانست، این قبیل صدمات بدنی عنوان کیفیت مشدد جرائم دیگر را پیدا می‌کند.» مشارالیه در تحلیل ماده ۲۰۲ می‌نویسد:

«در ماده ۲۰۲ راجع به طفل کمتر از پانزده سال، گفته شده است که اگر مجنی علیه به سبب ربوده شدن یا اخفا یا آسیبهای وارد شده فوت کند مجازات مرتکب اعدام است یعنی از نظر ایجاد سبب قتل هر سه امر ربوده شدن و اخفا و ایراد صدمه و آسیب در حکم واحد است به عبارت دیگر نفس عمل ربوده شدن یا اخفا شدن در صورتی نیز که توأم با ایراد آسیب جسمانی یا حیثیتی نباشد و منتهی به مرگ شود همان حکم را دارد که فوت، نتیجه آسیب یا آزار جسمانی یا حیثیتی باشد.»

ج) ربودن طفل به قصد ارتکاب اعمال منافی عفت و یا ازدواج
همانگونه که قبلاً بیان شد مطابق بندهای الف و ب ماده ۲۰۹ قانون مجازات عمومی سابق ربودن شخص به منظور ارتکاب عمل منافی عفت یا وادار کردن به عمل مزبور یا عنف تهدید یا حيله و یا به منظور ازدواج با مجنی علیها جرم مستقلی بوده و در مورد عمل منافی عفت مجازات مرتکب دو تا پنج سال حبس و در مورد ازدواج مجازات آدمربا از یک تا سه سال حبس بود.

در ذیل هر دو بند الف و ب مذکور، قانونگذار مقرر داشته بود که:
«در صورت وجود یکی از علل مشدده مذکور در فقرات ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ بند الف ماده ۲۰۷ مرتکب به حداکثر مجازات فوق محکوم می‌شود.»
علل مشدده فوق‌الذکر عبارتند از:

«۱- هرگاه مرتکب معلم یا لله یا مستخدم مجنی علیه یا مستخدم کسی باشد که نسبت به مجنی علیه سمت صاحب اختیاری دارد یا کسی باشد که مجنی علیه در تحت اختیار یا نفوذ او واقع شده.

۲- اگر مجنی علیه کمتر از ۱۸ سال تمام داشته باشد.

۳- اگر مجنی علیه زن شوهردار باشد.

۴- اگر مجنی علیه دختر باکره باشد.

۵- اگر مجنی علیه به واسطه ضعف قوای دماغی یا بدنی قادر به مقاومت نبوده باشد.

۶- اگر مرتکب مرد متأهل باشد.»

بندهای ۱ و ۶ علل شخصی تشدید به اعتبار شخص مجرم می‌باشند و بندهای ۲ تا ۵ علل شخصی تشدید به اعتبار شخص مجنی علیه هستند.

در عین حال به موجب بندهای ج و د ماده ۲۰۹ چنانچه شخص ربوده شده برای عمل منافعی عفت یا برای ازدواج بیش از پانزده سال داشته ولی به سن هجده سال نرسیده بود و رضایت به ربوده شدن داشت مجازات آدم را تقلیل می یافت ولی چنین تقلیل مجازاتی برای کسی که طفل پانزده ساله یا کوچکتر را ربوده بود وجود نداشت.

ماده ۳ قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص در این زمینه برای ارتکاب لواط یا هتک ناموس در مورد طفلی که کمتر از پانزده سال تمام داشت مجازات حبس دائم و چنانچه مجنی علیه کمتر از دوازده سال تمام داشت مجازات اعدام در نظر گرفته بود.

بدیهی است که لواط در مورد طفل مذکر و هتک ناموس در مورد طفل مونث مصداق دارد. وفق ماده ۱۰۸ قانون مجازات اسلامی لواط و طی انسان مذکر است چه به صورت دخول باشد یا تفحیذ.

هیئت عمومی دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه شماره ۱۱۸۹ مورخ ۳۶/۳/۳۰ هتک ناموس را اینچنین تعریف کرده است: «منظور از عبارت (عمل منافعی عفت غیر از هتک ناموس) مذکور در ماده ۲۰۸ قانون مجازات عمومی این است که با منجی علیها اعمال منافعی عفت غیر از مواقعه انجام شده باشد والا ارتکاب مواقعه به عنف با زن یا دختر بدون رابطہ زوجیت (اعم از قبل یاد بر) هتک ناموس بوده و مشمول فراز اول بند الف ماده ۲۰۷ قانون مجازات عمومی خواهد بود بدون اینکه استناد به شق ۷ ماده مذکور که اختصاص به جنس ذکور دارد لازم باشد.»

در ماده ۳ قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص منظور از لواط ارتکاب عمل شنیع نزدیکی با طفل مذکر است و تفحیذ از شمول ماده مذکور خارج است. در این زمینه شعبه چهارم دیوان عالی کشور در رأی شماره ۴/۹۳ مورخ ۱۳۷۲/۲/۲۹ چنین اظهار عقیده نموده است: «با توجه به مجموع اوراق پرونده اعمال ماه ۳ قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص مصوب ۵۳/۱۲/۱۸ قابل انطباق با مورد نیست زیرا طبق گواهی پزشکی قانونی عمل شنیع لواط انجام نگرفته و هتک ناموس به پسر بچه صدق نمی کند بلکه عمل متهم منطبق با ماده ۱ همان قانون می باشد لذا دادنامه تجدید نظر خواسته نقض و رسیدگی به دادگاه کیفری یک دیگر ارجاع می گردد.»

در خصوص اشخاصی که دارای سن پانزده سال تمام و بیشتر هستند نیز امکان

ارتکاب آدم‌ربایی با کیفیات مشدده وجود دارد که به لحاظ تشابه به بحث با آنچه که در مورد ربودن اطفال بیان شد، اختصاراً به این موضوع می‌پردازیم.

ربودن اشخاص دارای سن پانزده سال تمام و بیشتر

الف - ورود آزار یا آسیب جسمانی یا روانی یا حیثیتی به شخص

تا قبل از تصویب قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص در سال ۱۳۵۳، ورود آزار یا آسیب جسمانی به اشخاصی که بیش از پانزده سال تمام سن داشتند در قانون مجازات عمومی سابق موجب تشدید مجازات آدم‌ربا نمی‌شد مگر در صورت وقوع فوت مجنی علیه. مواد ۴ و ۵ قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص به خوبی این نقضیه را جبران نمودند. ماده ۴ صدمات جسمانی یا روانی را که نتایج خاصی را به بار می‌آورند مورد توجه قرارداد و ماده ۵ به سایر صدمات جسمانی و نیز صدمات حیثیتی توجه نمود.

ب - وقوع فوت یا ناپدید شدن شخص

به موجب ماده ۲۰۳ اصلاحی قانون مجازات عمومی سابق در صورتی که مجنی علیه به علت آسیب وارده فوت نماید مجازات آدم‌ربا بجای حبس، اعدام بود.

ماده ۴ قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص که جایگزین ماده ۲۰۳ اصلاحی بود نیز همین مجازات را در صورت فوت یا ناپدید شدن مجنی علیه وضع کرده بود.

ج - ربودن شخص به قصد ارتکاب اعمال منافی عفت و یا ازدواج

بندهای الف و ب ماده ۲۰۹ اصلاحی قانون مجازات عمومی که ربودن اشخاص به قصد ارتکاب عمل منافی عفت و یا وادار کردن به عمل مزبور و یا ازدواج را پیش‌بینی کرده بود اطلاق داشته و شامل اشخاص دارای سن کمتر و بیشتر از پانزده سال می‌شد و در صورت وجود یکی از علل مشدده مذکور در فقرات ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ بند الف ماده ۲۰۷ مرتکب به حداکثر مجازات مقرر یعنی پنج سال حبس به خاطر آدم‌ربایی به منظور ارتکاب عمل منافی عفت یا وادار کردن به عمل مزبور و به سه سال حبس به خاطر آدم‌ربایی به قصد ازدواج با مجنی علیه، محکوم می‌شد.

به موجب ماده ۴ قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص نیز در صورت ارتکاب لواط یا هتک ناموس مجنی علیه، مجازات مرتکب حبس دائم بود. گفتار سوم - آدم‌ربایی با وسیله نقلیه

تا پیش از تصویب ماده واحده طرح قانون تشدید مجازات رانندگان متخلف در سال ۱۳۳۵ و سیله نقلیه‌ای که جهت ارتکاب آدم‌ربایی به کار می‌رفت باعث تشدید مجازات مرتکب نمی‌شد.

در سال ۱۳۳۵ که استفاده از وسائل نقلیه رو به افزایش نهاده بود و طبعاً در کنار مزایائی که در جهت رفاه حال شهروندان داشت ارتکاب جرائم مختلف از جمله آدم‌ربایی را تسهیل می‌نمود و از آنجا که امروزه استفاده از وسائل نقلیه امری اجتناب ناپذیر می‌باشد قانونگذار به منظور تأمین امنیت در استفاده از وسایل نقلیه و پیشگیری از وقوع آدم‌ربایی، ارتکاب این بزه را توسط وسایل نقلیه مشمول تشدید مجازات نمود تا موارد آدم‌ربایی کاهش یابد زیرا ارتکاب آدم‌ربایی بدون استفاده از وسیله نقلیه بسیار مشکل می‌باشد. در مورد ماده واحده فوق‌الذکر باید به موارد ذیل توجه داشت:

اول - فاعل ممکن است دارای شغل رانندگی باشد یا نباشد و از این جهت تفاوتی وجود ندارد و نفس استفاده از وسیله نقلیه مهم است.

دوم - آدم‌ربا ممکن است شخصا یا به کمک دیگری مرتکب ربودن اشخاص شود.

سوم - اشخاص ربوده شده از اشخاصی می‌باشند که در وسیله نقلیه سوار شده‌اند.

چهارم - قصد رباینده از ارتکاب آدم‌ربایی می‌بایستی یا قتل یا سرقت اموال و یا هتک ناموس باشد.

پنجم - آدم‌ربا می‌بایستی مرتکب قتل یا سرقت اموال و یا هتک ناموس شده یا شروع به ارتکاب این امور کرده باشد.

ششم - در صورت وقوع قتل، مجازات آدم‌ربا با اعدام است.

هفتم - در صورت سرقت اموال و یا هتک ناموس به عنف مجازات مرتکب، حبس ابد می‌باشد.

هشتم - در صورت شروع به قتل یا شروع به سرقت یا شروع به هتک ناموس به عنف مجازات مرتکب، حبس با اعمال شاقه از پنج تا پانزده سال است.

نکته قابل توجه این است که ماده واحده اطلاق داشته و تفاوتی ندارد که مجنی علیه در بدو ورود طوعاً سوار اتومبیل شده باشد و یا این که وی را به زور سوار کرده باشند، زیرا ماده واحده، مطلق ربودن اشخاص توسط وسیله نقلیه به قصد قتل یا سرقت اموال یا هتک

ناموس را مستوجب مجازات دانسته و متعرض نحوه سوار شدن مجنی علیه در وسیله نقلیه نشده است. بنابراین همین که راننده مرتکب ربودن سرنشین با انگیزه‌های فوق‌الذکر گردد مشمول ماده واحده می‌باشد. هیئت عمومی دیوان عالی کشور نیز در رأی اصراری شماره ۴۶ مورخ ۵۱/۸/۲۴ که در صفحه این پایان نامه آمده است به این نکته اشاره کرده است.

آدم‌ربایی مشدد در مقررات جزائی فعلی ایران

تا سال ۱۳۷۵ تشدید مجازات آدم‌ربایی در حدودی که مخالف قوانین و مقررات شرعی نبود تابع مقررات مذکور در مبحث اول این فصل بود. شعبه چهارم دیوان عالی کشور در رأی شماره ۴/۷۳۶ مورخ ۷۳/۱۱/۱۹ در این زمینه چنین اظهار عقیده کرده است: «... یادآوری می‌گردد که قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص مصوب ۱۳۵۳ در مواردی که مخالف قوانین شرعی و مصوب نیست به قوت خود باقی است.»

با تصویب قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات در سال ۱۳۷۵، تشدید مجازات آدم‌ربایی محدود به سه مورد مذکور در ماده ۶۲۱ شد. ظاهراً قانونگذار سعی در تجمیع و خلاصه نویسی مقررات سابق را داشته است. ذیلاً به بررسی مختصر این موارد می‌پردازیم.

گفتار اول - ربودن اشخاص دارای سن کمتر از پانزده سال تمام

به موجب ماده ۶۲۱ در صورتی که سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده برای آدم‌ربایی یعنی پانزده سال حبس محکوم خواهد شد. این مجازات شدیدتر از مجازات مقرر در ماده ۲۰۲ قانون مجازات عمومی سابق و ماده ۲۰۲ اصلاحی آن قانون و معادل کیفر مقرر در ماده ۱ قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص می‌باشد.

گفتار دوم - ربودن اشخاص با وسیله نقلیه

ماده ۶۲۱ برای ربودن اشخاص توسط وسایل نقلیه مجازات پانزده سال حبس را در نظر گرفته است و بنابراین باعث منسوخ شدن ماده واحده طرح قانونی تشدید مجازات رانندگان متخلف مصوب سال ۱۳۳۵ شده است. در ماده ۶۲۱ چنین مقرر شده که: «در صورت ارتکاب جرائم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌گردد.» بنابراین در حال حاضر چنانچه کسی مرتکب ربودن اشخاص به کمک وسایل نقلیه وشد و در عین حال مرتکب جرائمی همچون قتل یا سرقت اموال یا هتک ناموس گردد علاوه بر محکومیت به

مجازات پانزده سال حبس به خاطر آدم‌ربایی با وسیله نقلیه به مجازاتهای قانونی مربوط به قتل یا سرقت اموال یا هتک ناموس نیز محکوم خواهد شد.

گفتار سوم - ربودن اشخاص توأم با ایراد آسیب جسمی یا حیثیتی

ماده ۶۲۱ برای مرتکب آدم‌ربایی که در اثر عمل آدم‌ربایی سبب ورود آسیب جسمی یا حیثیتی به مجنی علیه شده کیفر پانزده سال حبس را در نظر گرفته و برخلاف مقررات سابقه به تفکیک به نوع و میزان آسیبهای وارده و اثرات ناشی از این آسیبها در تعیین مجازات توجه توجه داشتند، متفاوتی ننموده است و یا بیان عبارت «در صورت ارتکاب جرائم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌گردد» به خلاصه گوئی پرداخته است در عین حال در خصوص ورود آسیبهای روانی بر مجنی علیه سکوت اختیار نموده است.

فصل چهارم- واکنش اجتماعی در قبال آدم‌ربایی و مباحثی پیرامون آن

جوامع انسانی به منظور حفظ مهمترین ارزشهای حاکم بر خود در مقابل کسانی که این ارزشها را نادیده می‌گیرند به انحاء گوناگون واکنش نشان می‌دهند. مسلماً واکنش اجتماعی در قبال پدیده مجرمانه محدود به اعمال مجازاتها و اقدامات تأمینی و تربیتی نمی‌شود ولیکن بحث ما در رساله حاضر محدود به بررسی مجازات آدم‌ربایی و مسائلی پیرامون این جرم است و در این راستا به مطالعه اموری همچون شروع به جرم آدم‌ربائی، معاونت در ارتکاب این جرم، کیفیات مخففه، امکان تعلیق اجرای مجازات آدم‌ربائی می‌پردازیم.

فصل اول - مجازات

با توجه به نصوص قانونی، مجازات آدم‌ربایی را در دو مبحث جداگانه تحت عنوان مجازات اصلی و مجازاتهای تبعی، تکمیلی و تتمیمی بررسی می‌کنیم.

مجازات اصلی

(به منظور شناخت مبانی کیفر آدم‌ربایی ملاحظه پیشینه این مجازات در قوانین جزائی سابق ایران و سپس مطالعه مبانی فقهی قوانین جاری ضرورت دارد).

گفتار اول - در قوانین جزائی سابق ایران

الف - ماده ۱۹۵ قانون مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۰۴ که ذیل فصل سوم تحت عنوان جنحه و جنایت نسبت به اطفال قرار داشت برای ربایندۀ طفل تازه متولد شده مجازات حبس تأدیبی از شش ماه الی سه سال را در نظر گرفته بود. البته این مجازات مربوط به

زمانی بود که زنده بودن طفل مجنی علیه مسلم بوده است.

ماده ۱۹۶ نیز دو مجازات خفیفتر برای دو حالت جداگانه به شرح ذیل مقرر کرده بود:

اول - چنانچه طفل تازه متولد شده که مورد ربودن واقع گردیده زنده بودنش مسلم نبوده باشد مجازات مرتکب عبارت بوده است از حبس تأدیبی از یک ماه الی شش ماه.

دوم - چنانچه اثبات می‌شد که طفل تازه متولد شده متوفی بوده است مجازات مجرم عبارت بوده است از یازده روز تا دو ماه حبس تأدیبی.

ماده ۲۰۲ همان قانون سه میزان مجازات را برای ربودن اطفالی که به سن شانزده سال تمام نرسیده بودند مقرر کرده بود که عبارت بودند از:

اول - حبس تأدیبی از یک تا سه سال برای دزدیدن یا با حيله یا با اکراه ربودن طفل پسر.

دوم - حبس مجرد از دو تا پنج سال برای دزدیدن یا با حيله یا با اکراه ربودن طفل دختر.

سوم - حبس تأدیبی از شش ماه تا دو سال برای ربودن طفل بدون حيله و اکراه.

ماده ۲۰۳ نیز برای ربودن پسر یا دختری که سنشان بیش از پانزده سال و کمتر از بیست سال بود آن هم از طریق حيله یا اکراه، مجازات حبس تأدیبی از شش ماه تا سه سال را مقرر کرده بود.

همانگونه که قبلاً بیان شد مادتين ۲۰۲ و ۲۰۳ قانون مجازات عمومی در سال ۱۳۳۷ اصلاح شدند در نتیجه ماده ۲۰۲ اصلاحی برای ربودن اطفالی که به سن پانزده سال تمام نرسیده بودند مجازاتهای ذیل را در نظر گرفته بود:

اول - حبس مجرد از سه سال تا ده سال به خاطر دزدیدن یا به حيله یا با اکراه ربودن طفل به قصد انتقام یا فروش یا مطالبه وجه یا مال یا به هر منظور سؤ دیگر.

دوم - حبس با اعمال شاقه از پنج سال تا پانزده سال در صورت ایراد آزار یا آسیب جسمانی یا حیثیتی به مجنی علیه توسط مرتکب یا دیگری.

سوم - حبس دائم با اعمال شاقه در صورتی که آسیب وارد شده به مجنی علیه منتهی به یکی از نتایج مندرجه در ماده ۱۷۲ قانون کیفر عمومی شود. نتایج مذکور را در بحث آدم‌ربایی مشدد بیان نموده‌ایم.

چهارم - اعدام در صورتی که مجنی علیه به سبب ربوده شدن یا آسیبهای وارد شده فوت کند.

ماده ۲۰۳ اصلاحی نیز در مورد ربودن مجنی علیه مذکور در ماده ۲۰۲ که بیش از پانزده سال سن داشته حداقل مجازاتهای مقرر در ماده ۲۰۲ را وضع نموده بود مگر در صورتی که آسیب وارد شده موجب فوت مجنی علیه می‌گردید که در این صورت مجازات مرتکب همان، اعدام بود.

توضیح این نکته ضروری به نظر می‌رسد که مطابق ماده ۴۴ قانون مجازات عمومی سابق نحوه تخفیف مجازاتهای جنائی و حداقل این مجازاتها معین شده بود به این ترتیب حداقل مجازاتهای حبس مجرد عبارت بود از شش ماه حبس تأدیبی و حداقل مجازات حبس موقت با اعمال شاقه عبارت بود از دو سال حبس تأدیبی و حداقل مجازات حبس دائم با اعمال شاقه عبارت بود از حبس مجرد و حداقل مجازات اعدام، حبس موقت با اعمال شاقه بود.

نکته دیگر این که به موجب ماده ۲۰۳ تنها در صورتی مجازات مرتکب اعدام است که مجنی علیه در اثر آسیب وارده شده فوت نموده باشد بنابراین اگر مجنی علیه به سبب ربوده شدن فوت می‌کرد مجازات وی حداقل مجازات اعدام یعنی حبس موقت با اعمال شاقه بود نه خود مجازات اعدام.

فصل پنجم از قانون مجازات عمومی به جنحه و جنایت بر ضد عفت و اخلاق عمومی و تکالیف خانوادگی اختصاص داشت. در این فصل در ماده ۲۰۹ مجازاتهای ذیل برای آدم‌ربایی با انگیزه خاص ارتکاب عمل منافعی عفت و یا وادار کردن بعمل مزبور و یا ازدواج در نظر گرفته شده بود:

اول - حبس مجرد از دو تا پنج سال برای هر کس که به عنف یا تهدید و یا حيله کسی را برای عمل منافعی عفت یا برای وادار کردن به عمل مزبور برباید. (بند الف)

دوم - حبس تأدیبی از یک تا سه سال برای هر کس که به عنف یا تهدید و یا حيله شخصاً یا به وسیله دیگری زنی را برای ازدواج با او برباید. (بند ب)

سوم - حبس تأدیبی از سه تا پنج سال برای کسی که شخصی را که بیش از پانزده سال داشته ولی به سن هجده سال نرسیده است با رضایت او برای عمل منافعی عفت برباید. (بند ج)

چهارم - حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال برای هر کس که شخصاً یا به وسیله دیگری

زنی را که بیش از پانزده سال داشته ولی به سن هجده سال تمام نرسیده است با رضایت او برای ازدواج با او برباید. (بند د)

چنانچه جرمهای مذکور در قسمت سوم و چهارم در مورد کسی واقع شود که پانزده سال یا کمتر دارد مجازات مرتکب همان مجازاتی است که برای ارتکاب به عنف مقرر است یعنی حبس مجرد از دو تا پنج سال برای عمل منافی عفت یا برای وادار کردن به عمل مزبور و یک تا سه سال حبس تأدیبی برای ربودن به منظور ازدواج.

ب - در قانون تشدید مجازات رانندگان متخلف مصوب سال ۱۳۳۵ در قانون تشدید مجازات رانندگان متخلف برای آدمربایی با وسیله نقلیه با توجه به قصد آدمربا و نتایج حاصله مجازاتهای اصلی ذیل در نظر گرفته شده است.
اول - مجازات اعدام برای هر راننده‌ای اعم از آن که شغل او رانندگی باشد یا نباشد و شخصا یا با شرکت دیگری به قصد قتل مرتکب ربودن شخص یا اشخاصی که در آن وسیله نقلیه هستند بشود و قتلی واقع شود.

دوم - مجازات حبس ابد برای هر راننده‌ای اعم از آن که شغل او رانندگی باشد یا نباشد و شخصا یا با شرکت دیگری به قصد سرقت اموال و یا هتک ناموس مرتکب ربودن شخص یا اشخاصی که در آن وسیله نقلیه هستند بشود و سرقت اموال یا هتک ناموس واقع شود.
سوم - حبس با اعمال شاقه از پنج سال تا پانزده سال در صورت شروع به قتل یا شروع به سرقت و یا شروع به هتک ناموس به عنف.

ج - در قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص مصوب سال ۱۳۵۳ در قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص مصوب سال ۱۳۵۳ مجازاتهای ذیل برای آدمربائی در نظر گرفته شده است:

اول - حبس جنائی درجه دو از دو تا ده سال برای هر کس که به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور سو دیگر به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر شخصی را برباید. (ماده ۱)

دوم - حبس جنائی درجه یک از سه تا پانزده سال برای هر کس که به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور سو دیگر به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر شخصی را که کمتر از پانزده سال تمام داشته باشد برباید. (ماده ۱)

سوم - مجازات اعدام برای آدمربایی که مرتکب ربودن شخصی که کمتر از پانزده سال تمام سن دارد شده و مجنی علیه به سبب ربودن یا اخفاء یا آسیبهای وارده فوت کند یا ناپدید شود یا به او صدمه جسمی یا روانی برسد که منجر به مرض دائم یا زوال عقل یا فقدان یکی از حواس یا از کار افتادن یکی از اعضای اصلی بدن او گردد. «ماده ۲)

چهارم - حبس دائم برای آدمربایی که مرتکب ربودن شخصی شده که کمتر از پانزده سال تمام داشته و با او لواط نموده و چنانچه مؤنث بوده مرتکب هتک ناموس وی شده است. (ماده ۳)

پنجم - مجازات اعدام برای آدمربایی که مرتکب ربودن شخصی شده که کمتر از دوازده سال تمام داشته و با او لواط نموده و یا چنانچه مؤنث بوده مرتکب هتک ناموس وی شده است. (ماده ۳)

ششم - مجازات اعدام برای آدمربایی که مرتکب ربودن شخصی شده که پانزده سال تمام یا بیشتر داشته و به سبب ربودن یا اخفاء یا آسیبهای وارده فوت کرده یا ناپدید شده است. (ماده ۴)

هفتم - حبس دائم برای آدمربایی که مرتکب ربودن شخصی شده که پانزده سال تمام یا بیشتر داشته و به مجنی علیه صدمه جسمانی یا روانی وارد شود که منجر به مرض دائم یا زوال عقل یا فقدان یکی از حواس یا از کار افتادن یکی از اعضای اصلی بدن او گردد و یا با او لواط شده و یا هتک ناموس او شده باشد. (ماده ۴)

هشتم - حبس دائم برای آدمربایی که شخصی را ربوده باشد که سن او کمتر از پانزده سال تمام باشد و به مجنی علیه صدمه جسمی دیگر غیر از آنچه که بیان شد یا صدمه حیثیتی وارد شود. (ماده ۵)

نهم - حبس جنائی درجه یک از سه تا پانزده سال برای آدمربایی که شخصی را ربوده باشد که سن او پانزده سال تمام یا بیشتر باشد و به مجنی علیه صدمه جسمی دیگر غیر از آنچه که بیان شد یا صدمه حیثیتی وارد شود. (ماده ۵)

پس از بیان مجازات اصلی آدمربایی در قوانین جزائی سابق ایران به بررسی مجازات آدمربایی در مقررات کنونی و مبانی فقهی آنها می‌پردازیم.

گفتار دوم - در قوانین جزائی کنونی ایران

آدم‌ربایی در قوانین جزائی پس از انقلاب اسلامی در باب تعزیرات مطرح شده و قانونگذار برای آن مجازات تعزیری در نظر گرفته است. قبل از بیان مجازات اصلی آدم‌ربایی در قوانین جزائی کنونی بررسی مبانی فقهی قوانین جدید ضروری به نظر می‌رسد.

الف - مبانی فقهی قوانین جاری

فقه‌های امامیه در باب حد سرقت، از آدم‌ربایی سخن به میان آورده‌اند. ایشان بر اساس آنچه که در گذشته‌های دور معمول بوده انسانها را به دو گروه بنده و آزاد تقسیم نموده و هر یک را به صغیر و کبیر تفکیک کرده‌اند و احکام سرقت آنها را جداگانه بیان نموده‌اند. در مورد ربودن بنده صغیر تقریباً اتفاق نظر وجود دارد و چنانچه شرایط سرقت مشمول حد وجود داشته باشد برای ربودن بنده صغیر مجازات قطع انگشتان دست راست را در نظر گرفته‌اند زیرا بنده صغیر مال محسوب می‌شده و قابلیت خرید و فروش داشته است. شهید اول در این زمینه می‌نویسد:

«وُ يُقَطَّعُ سَارِقُ الْمَمْلُوكِ الصَّغِيرِ» دست کسی که مملوک صغیری را بدزدد بریده می‌شود. شهید ثانی در شرح عبارت شهید اول می‌فرماید:

«البتة در صورتی که قیمتش به قدر نصاب باشد و این که مرحوم مصنف عبارت را مطلق آورده و این قید را به آن اضافه نکرده‌اند همانطوری که سایر فقهاء نیز کلامشان در این مسئله مطلق می‌باشد جهتش آن است که غالباً ممالیک ارزش و قیمتشان به قدر ربع دینار می‌باشد از این رو لزومی ندارد که به آن تصریح شود. و اما قید (الصغیر) در عبارت به منظور احتراز از موردی است که مملوک کبیر ممیز باشد چه آن که سارق را مورد عقوبت قطع ید قرار نمی‌دهند مگر آن که خواب بوده یا در حکم آن باشد و یا به قدری گنگ و خنگ باشد که آقای خود را از غیر تمییز و تشخیص ندهد چه آن که در این فرض اگر چه کبیر و بالغ بوده اما همچون صغیر به حساب می‌آید.»

در همین خصوص، شیخ محمدباقر مجلسی چنین نوشته‌اند:

«اگر کسی آدمی را بدزدد... اگر کودک غیر ممیز است اگر بنده است و آن را از حرز دزدیده‌است و قیمتش به قدر نصاب هست دستش را می‌برند...»

مرحوم شیخ محمدحسن نجفی صاحب جواهر معتقدند که در این مسئله اختلاف نظری

وجود ندارد:

(وَمَنْ سَرَقَ) انسانا (صغیرا) لاتمیز له بحیث یعرف سیده من غیره (فان کان مملوکا قطع) بلاخلاف بل ولا اشکال مع جمعه ما سمعته من الشرائط السابقة كالحرز و نحوه، ضرورة كونه كغيره من الاموال»

(و کسی که بریاید) انسانی (صغیر) را که قوه تمیز ندارد به نحوی که بتواند آقایش را از غیر او شناسائی کند (پس اگر مملوک بوده باشد دست سارق بریده می‌شود) بلکه در این امر اختلاف نظر و اشکالی وجود ندارد توأم با آن چه که از شرایط سابق شنیدی مانند حرز و مثل آن، ضروری است زیرا مملوک صغیر مانند سایر اموال می‌باشد.

چنانچه فرد ربوده شده انسانی آزاد باشد و علاوه بر ربوده شدن مورد فروش قرار گیرد در بین فقها، در مورد نحوه مجازات آدم‌ربا و مبنای مجازات وی اختلاف نظر وجود دارد. برخی در این وضعیت آدم‌ربا را مفسد فی الارض دانسته و مجازات وی را قطع انگشتان می‌دانند. عده‌ای دیگر با این نظر مخالفند و این ایراد را وارد می‌کنند که چنانچه آدم‌ربا مفسد باشد نباید مجازات وی منحصر به قطع ید باشد بلکه باید حاکم مخیر باشد در قتل یا به دار آویختن یا قطع دست راست و پای چپ یا نفی بلد. سرانجام عده‌ای احتیاط را در ترک قطع ید آدم‌ربا دانسته و تعزیر وی را لازم می‌دانند که قانون مجازات اسلامی نظریه اخیر را مبنای مجازات آدم‌ربایی قرار داده است. ذیلاً به بیان تفصیلی نظرات مذکور می‌پردازیم.

شهید اول می‌فرماید:

«لا یقطع سارق الحر و ان کان صغیرا فان باعه قیل یقطع لفساده فی الارض لاحدا»

دست رباینده انسان آزاد را نمی‌برند اگر چه وی طفل صغیر باشد پس اگر او را فروخت برخی از فقها گفته‌اند که دست رباینده به خاطر افساد فی الارض بریده می‌شود نه آن که از باب حد سرقت باشد.

در شرح این مطلب شهید ثانی چنین می‌فرماید:

وجه عدم قطع ید در مورد مزبور آن است که حرّ مالیت ندارد و در قطع ید شرط است که سارق مال بدزدد. و در دنبال «قیل» می‌افزاید:

قائل این قول مرحوم شیخ الطائفه بوده و به تبعیت از ایشان علامه علیه‌الرحمه نیز به آن

قائل شده‌اند. ایشان می‌فرمایند:

اگر سارق حرّ مسروق را فروخت باید دستش را قطع نمود به همان کیفیتی که دست سارق را می‌برند ولی نه از جهت سرقتی که انجام داده و به این عنوان که حدّ سرقت بر وی جاری شده بلکه چون فساد در روی زمین نموده و جزا و کیفر مفسد قطع ید می‌باشد. سپس شارح (ره) می‌فرمایند:

ولی به فرموده ایشان می‌توان اشکال نموده و بگوئیم:

سارق مزبور که حرّ را فروخته اگر مفسد فی الارض است پس لازمه‌اش آن است که حاکم مخیر باشد بین این که وی را به قتل رسانده یا دست و پای او را برخلاف هم قطع کند مثلاً دست راست و پای چپ و بالعکس و همچنین سایر احکام افساد فی الارض، نه آن که به طور متعین قطع دست تنها لازم باشد.»

شاهد ثانی در ادامه بر این نکته تأکید می‌ورزند که اگر آدم‌ربا مجنی علیه خود را نفروخت نباید دست وی قطع شود مگر این که مجنی علیه صغیری باشد و البسه و اشیائی همراه داشته باشد که ارزش آنها به قدر نصاب سرقت باشد و یا مجنی علیه کبیر باشد و دارای البسه و اشیاء مذکور باشد ولیکن در حال خواب یا مستی و یا بی‌هوشی ربوده شده باشد. بدیهی است در این شرایط قطع ید از باب حد سرقت است نه آدم‌ربایی - عبارت شاهد ثانی در این مورد به شرح ذیل است:

«... اگر سارق حرّ مسروق را نفروخت دست دزد را نباید قطع کرد اگر چه در تن وی البسه و زیور آلاتی بوده که قیمت و ارزش آنها به حد نصاب برسد زیرا لباسها و اشیاء زینتی در تحت ید حرّ بوده و نسبت به آنها سرقت صادق نیست. بلی در صورتی که حرّ مسروق صغیر بوده به و طوری که در حقش نتوان گفت بر اموال و امتعه‌ای که همراهش هست ید دارد البته ید سارق بر آنها مستولی بوده لاجرم دست سارق را باید قطع کرد زیرا در این فرض می‌توان گفت که سارق مالی را که به حد نصاب رسیده سرقت نموده است. و مثل همین فرض است اگر سارق حرّ کبیر و بالغی را سرقت کند که همراهش امتعه و اموالی است و در حال خواب یا مستی و یا بی‌هوشی می‌باشد و یا دیوانه‌ای را بدزد که با او امتعه‌ای است به قدر نصاب چه آن که در این فرض نیز دست سارق را باید قطع نمود.»

صاحب جواهر در این خصوص چنین می‌فرمایند:

«(ولو كان) المسروق (حرا فباعه لم يقطع حدا) قطعاً لعدم كونه مالاً يبلغ النصاب (و قيل) و القائل الشيخ في النهاية و جماعة، بل في التنقيح أنه المشهور: (يقطع دفعا لفساده) لاحدا للسرقة، لقول الصادق عليه السلام) في خبر السكوني أن اميرالمومنين (عليه السلام) أتى برجلٍ قد باع حرا فقطع يده، و خبر عبدالله بن طلحة سأل عن الرجل يبيع الرجل و هما حران فيبيع هذا هذا و هذا هذا و يفران من بلد الى بلد يبيعان انفسهما و يفران باموال الناس، قال: تقطع ايديهما سارقا انفسهما و اموال الناس.»

(و اگر باشد) شخص ربوده شده (انسان آزادی پس آدمربا وی را بفروشد دستش از جهت اجرای حدّ سرقت قطع نمی‌شود) حتماً بخاطر آن که انسان آزاد مالی نیست که به قدر نصاب سرقت ارزش داشته باشد (و عده‌ای گفته‌اند) و گوینده شیخ طوسی در کتاب نهاییه است و عده‌ای نیز گفته‌اند بلکه نظریه مشهور کلاً این است که: (دست چنین آدمربایی قطع می‌شود برای دفع فسادش) نه از جهت این که حدی برای سرقت باشد، دلیل این عقیده سخن امام صادق(ع) است در حدیث سکونی مبنی بر این که مردی را نزد امیرالمؤمنین علی (ع) آوردند که انسان آزادی را فروخته بود پس علی(ع) دست او را قطع کرد. و همچنین حدیث نقل شده از عبدالله بن طلحه که از امام صادق(ع) سؤال کرد در مورد مردی که مرد دیگری را می‌فروشد در حالی که هر دو آزاد هستند پس این او را و او این شخص را می‌فروشد و از شهری به شهر دیگر فرار می‌کنند و یکدیگر را می‌فروشند و با اموال مردم فرار می‌کنند امام صادق(ع) فرمودند: دستانشان قطع می‌شود زیرا ایشان سارقین یکدیگر و سارقین اموال مردم هستند.

در میان متأخرین از فقها، مرحوم آیه‌الله العظمی خوئی به طور مطلق قائل به قطع ید فروشنده انسان آزاد می‌باشند.

«مَنْ باع انساناً حراً، صغيراً كان أو كبيراً ذكراً كان أو أنثى قُطِعَتْ يَدُهُ.»

کسی که انسان آزادی را چه صغیر باشد چه کبیر و چه مذکر باشد چه مونث، بفروشد، دستش قطع می‌شود.

مرحوم صاحب جواهر در خصوص مجازات آدمربایی بدون فروش مجنی علیه چنین فرموده‌اند:

«ولو سرقه و لم يبيعه أدب بمأراه الحاكم، لئلاصل بعد اختصاص النصوص بالبيع»

و اگر انسانی را برباید ولی او را نفروشد به وسیله آنچه که حاکم صلاح می‌داند تأدیب می‌شود برای رعایت اصل (عدم قطع ید) زیر نصوص ذکر شده اختصاص به فروش شخص ربوده شده دارد.

دکتر علیرضا فیض نیز در بیان شروط وجوب کیفر قطع ید سارق چنین می‌نویسند: «آن چه سرقت شده است، مال باشد، پس اگر سارق، کودک یا انسان بالغی را بدزدد، به عنوان حد، محکوم به کیفر قطع نخواهد شد، اما آیا به عنوان مفسد کیفر قطع دارد؟ گروهی از فقهاء گفته‌اند کیفر قطع دارد و روایتی بر آن دلالت دارد و احوط ترک قطع است، بلکه به آن چه حاکم صلاح بداند تعزیر می‌شود.»

نهایتاً امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله در بیان آن چه که سرقت شده چنین می‌فرماید: «لو سرق حراً کبیراً او صغیراً ذکر او انشی لم یقطع حداً، فهل یقطع دفعاً للفساد قیل: نعم، و به روایت، و الاحوط ترک القطع و تعزیره بما یراه الحاکم.»

چنانچه انسان آزاد کبیر یا صغیر، مذکر یا مؤنث را برباید، از جهت اجرای حد سرقت دستش بریده نمی‌شود، پس آیا برای دفع فساد دستش قطع می‌شود؟ عده‌ای گفته‌اند: بله و در این مورد روایتی وجود دارد و احوط ترک قطع ید می‌باشد و تعزیرش به وسیله آن چیزی است که حاکم صلاح می‌داند.

با عنایت به مراتب مذکور در قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب سال ۱۳۶۲ و قانون مجازاتهای اسلامی بخش تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده مصوب سال ۱۳۷۵ مجازات آدمربایی از نوع تعزیری معین شده است.

ب - در قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب سال ۱۳۶۲ در قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۶۲/۵/۱۸ کمیسیون امور قضائی مجلس شورای اسلامی تنها ماده ۹۷ به آدمربایی اختصاص یافته و دو نوع مجازات برای آن در نظر گرفته شده است.

اول - شش ماه الی سه سال حبس برای ربودن طفل تازه متولد شده.

دوم - تا ۷۴ ضربه شلاق برای ربودن طفل تازه متولد شده که مرده بودنش مسلم بوده است.

«ماده ۹۷ - هر کس طفلی را که تازه متولد شده است بدزدد یا مخفی کند یا او را به جای

طفل دیگری یا متعلق به زن دیگر غیر از مادر طفل قلم دهد به شش ماه الی سه سال حبس محکومخواهد شد و اگر مسلم شود که طفل مزبور مرده بوده، مجازات مقصر تا ۷۴ ضربه شلاق خواهد بود.»

ج - در قانون مجازاتهای اسلامی بخش تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده مصوب سال ۱۳۷۵ در ماده ۶۲۱ این قانون مجازاتهای ذیل برای آدمربایی در نظر گرفته شده است:

اول - حبس از پنج تا پانزده سال برای هر کس که به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگر به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر شخصا یا توسط دیگری شخصی را برباید.

دوم - پانزده سال حبس برای ربودن مجنی علیه‌ای که سن وی کمتر از پانزده سال تمام باشد.

سوم - پانزده سال حبس برای آدمربایی توسط وسایل نقلیه.

چهارم - پانزده سال حبس برای آدمربایی توأم با ورود آسیب جسمی یا حیثیتی.

ماده ۶۳۱ نیز مجازاتهای زیر را برای ربودن اطفال تازه متولد شده در نظر گرفته است:

اول - شش ماه تا سه سال حبس برای ربودن طفل تازه متولد شده.

دوم - جزای نقدی از یکصد هزار تا پانصد هزار ریال برای ربودن طفل تازه متولد شده‌ای که مرده بودن وی محرز شده است.

ماده ۶۳۱ در مورد ربودن طفل تازه متولد شده‌ای که مرده بودنش احراز شده مجازات نقدی که بسیار خفیفتر از مجازات شلاق مذکور در ماده ۹۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب سال ۱۳۶۲ می‌باشد در نظر گرفته و از این حیث اخف از ماده ۹۷ می‌باشد.

در پایان این مبحث به بیان مجازات اصلی آدمربایی در برخی از کشورها می‌پردازیم.

در انگستان مجازات آدمربایی با توجه به نوع و اهمیت آن «حبس یا جزای نقدی در حدود اختیارات دادگاه» می‌باشد. به این ترتیب چنانچه پرونده یک آدمربایی کم اهمیت در دادگاه صلح مطرح شود مجازات آن حداکثر ۶ ماه حبس یا ۲۰۰۰ پوند جزای نقدی می‌باشد و چنانچه پرونده یک آدمربایی مهم در دادگاه جزا توأم با کیفر خواست مطرح گردد مجازات آن حداکثر، حبس ابد خواهد بود. در عین حال مجازاتهای معین ذیل برای

آدم‌ربایی در موارد خاص در نظر گرفته شده است:

«قانون کودک‌ربایی مصوب ۱۹۸۴ دو جرم مربوط به ربودن طفلی که کمتر از شانزده سال تمام دارد وضع نموده است.

اولین جرم ممکن است تنها به وسیله یک شخص مرتبط با طفل که طفل را می‌گیرد یا به خارج از پادشاهی متحده می‌فرستد بدون رضایت مناسب، ارتکاب یابد. شخص مرتبط با طفل عبارت است از والدین یا قیم یا کسی که به موجب حکم دادگاه حفاظت از طفل به وی واگذار شده یا در خصوص یک طفل نامشروع مردی است که به طور معقول یا طبیعی پدر وی محسوب می‌شود...

دومین جرم ارتکاب می‌یابد به وسیله شخصی بجز والدین یا قیم یا شخصی که حفاظت طفل را به دستور یک دادگاه برعهده دارد، بدون مجوز قانونی یا عذر معقول، طفل را می‌رباید یا حبس می‌کند...

هر دو نوع جرم قابل مجازات از طریق محکومیت اختصاری با شش ماه حبس یا جزای نقدی نه بیش از حداکثر مقرر قانونی یا هر دو، و بر اساس کیفرخواست، قابل مجازات یا هفت سال حبس می‌باشد.»

قانون جرائم جنسی مصوب ۱۹۵۶ چهار جرم در خصوص ربودن زنان و دختران پیش‌بینی کرده و برای آنها مجازات حبس مقرر نموده است.

اول - دو سال حبس برای ربودن دختران زیر شانزده سال و مجرد برخلاف رضایت والدین یا قیم و بدون انگیزه جنسی. (ماده ۲۰)

دوم - دو سال حبس برای ربودن دخترانی که کمتر از هجده سال سن دارند و مجرد می‌باشند و برخلاف رضایت والدین یا قیمشان به منظور برقراری ارتباط جنسی غیرقانونی با مردان یا یک مرد بخصوص. (ماده ۱۹)

سوم - دو سال حبس برای ربودن زنان معیوب مجرد یا متأهل برخلاف رضایت والدین یا قیمشان به منظور برقراری ارتباط جنسی غیرقانونی با مردان یا یک مرد بخصوص. (ماده ۲۱)

چهارم - چهارده سال حبس برای ربودن زنان با اعمال زور و برخلاف رضایتشان به منظور ازدواج یا ارتباط جنسی غیرقانونی با آدم‌ربا یا هر شخص دیگر و یا به خاطر اموال

زن و یا توقع مالی از زن داشتن در عین حال سن زن مطرح نیست. (ماده ۱۷)
در قانون مجازات جدید فرانسه مصوب ۱۹۹۲ مجازاتهای اصلی زیر برای آدمربایی در نظر گرفته شده است:

اول - ۲۰ سال حبس جنائی برای ربودن بدون مجوز قانونی دیگری (ماده ۱-۲۲۴)
دوم - ۳۰ سال حبس جنائی برای زمانی که مجنی علیه به یک نقص عضو یا ناتوانی دائمی که یا نتیجه عمل ربودن باشد یا به طور طبیعی ناشی از آن باشد و یا در ایام بازداشت ایجاد شده باشد یا در ارتباط یا محرومیت از غذا و مراقبت به وجود آمده باشد. (ماده ۲-۲۲۴)

سوم - حبس ابد برای هنگامی که آدمربایی توأم با شکنجه یا اعمال وحشیانه توأم باشد یا حالتی که آدمربایی منتهی به مرگ مجنی علیه گردد. (ماده ۲-۲۲۴)
چهارم - ۳۰ سال حبس جنائی برای آدمربایی از طریق تشکیل یک باند ارگانیزه یا آدمربایی توسط اشخاص متعدد. (ماده ۳-۲۲۴)

پنجم - ۳۰ سال حبس جنائی برای مجرمی که مجنی علیه را گروگان گرفته به این منظور که چیزی را فراهم کند یا تسهیل در ارتکاب جنحه یا جنایت نماید یا معاونت در جنحه یا جنایت کند و یا به منظور بدست آوردن یک عملیات اجرائی یا دستور یا محقق کردن شرطی مخصوصا زمانی که برای واریز کردن خونبها باشد. (ماده ۴-۲۲۴)
همانگونه که قبلاً بیان شد چنانچه مجنی علیه کمتر از ۱۵ سال سن داشته باشد مجازاتهای فوق الذکر از ۲۰ سال حبس به ۳۰ سال و از ۳۰ سال حبس به حبس ابد تبدیل خواهند شد.

در قانون جزای مصر مصوب ۱۹۳۷ مجازاتهای اصلی ذیل برای آدمربایی در نظر گرفته شده است:

اول - مجازات حبس (بدون قید مدت) برای ربودن نوزادان. (ماده ۲۴۵)
دوم - مجازات حبس که بیش از یک سال و یا جزای نقدی که بیش از پنجاه جنیه مصری نمی باشد برای ربودن نوازدی که زنده متولد شدنش ثابت نشده باشد. (ماده ۲۴۵)
سوم - مجازات حبس که بیش از دو ماه و یا جزای نقدی که بیش از پنج جنحه مصری نخواهد بود برای ربودن نوازدی که مرده متولد شدنش اثبات شده باشد. (ماده ۲۴۵)

چهارم - مجازات حبس برای ربودن پسری که به سن شانزده سال تمام نرسیده با حيله يا اکراه و شخصا يا توسط ديگري. (ماده ۲۵۰)

پنجم - مجازات حبس موقت با اعمال شاقه براي ربودن دختری که به سن شانزده سال تمام نرسیده با حيله يا اکراه و شخصا يا توسط ديگري. (ماده ۲۵۰)

ششم - مجازات حبس از سه سال تا هفت سال براي ربودن پسری که به سن شانزده سال تمام نرسیده بدون حيله يا اکراه و شخصا يا توسط ديگري. (ماده ۲۵۱)

هفتم - مجازات حبس با اعمال شاقه از سه سال تا ده سال براي ربودن دختری که به سن شانزده سال تمام نرسیده بدون حيله يا اکراه و شخصا يا توسط ديگري. (ماده ۲۵۱)

هشتم - مجازات حبس موقت با اعمال شاقه يا حبس تنها براي ربودن زنی که بيش از شانزده سال تمام سن دارد با اعمال حيله يا اکراه و شخصا يا توسط ديگري. (ماده ۲۵۲)

مبحث دوم - مجازاتهای تبعی، تکمیلی و تميمی

«علاوه بر مجازات يا مجازاتهای که براي یک عمل مجرمانه پيش بينی می شود قانونگذار ممکن است مجازاتهای ديگري را هم بر حسب نوع جرم ارتكابی و درجه اهميت آن، براي مرتکب جرم تعيين کرده باشد. اين مجازات اضافی گاه به طور خود به خود و به تبع مجازات اصلی نسبت به محکوم تحميل می شود، در اين صورت آن را مجازات تبعی می خوانيم و گاه اجرای آن بسته به اين است که در حکم دادگاه قيد شده باشد. در اين صورت مجازات تکمیلی خواهد بود.»

گفتار اول - مجازاتهای تبعی و تکمیلی

فصل سوم از قانون مجازات عمومی سابق به «جزای تبعی» اختصاص داشت. در اين فصل ماده ۱۹ اصلاحی سال ۱۳۲۸ کیفرهای تبعی و تکمیلی را در بند الف احصاء نموده بود که عبارت بودند از:

اول - محرومیت از حقوق اجتماعی

دوم - ممنوعیت از اقامت در محل مخصوص

سوم - اقامت اجباری در محل مخصوص

تبصره بند الف ماده ۱۹ کیفرهای تبعی و تکمیلی را اين چنین تعريف کرده است:

تبصره - کیفری تبعی اثر ناشی از حکم است بدون قيد در حکم و کیفر تکمیلی همان

کیفر تبعی است با این تفاوت که مثل کیفر اصلی در حکم دادگاه قید می‌شود.»
 بند ب ماده ۱۹ مقرر می‌داشت که کسانی که به حکم قطعی محکوم به حبس جنائی می‌شوند تبعاً از کلیه حقوق اجتماعی محروم شده و دادگاه می‌تواند مقرر دارد که محکوم علیه پس از اتمام کیفر اصلی در مدتی که از ده سال تجاوز نکند از اقامت در نقطه یا نقاط معینی ممنوع بوده و یا به اقامت در نقطه یا نقاط معینی مجبور باشد.
 بنابراین محکومین به حبس جنائی متحمل کیفر تبعی محرومیت از کلیه حقوق اجتماعی نیز می‌شدند.

آثار و عواقب محرومیت از حقوق اجتماعی را ماده ۱۵ همان قانون به شرح ذیل نام برده بود:

اول - محرومیت از استخدام دولتی و استعمال نشانهای دولتی.
 دوم - محرومیت از حق انتخاب کردن و منتخب شدن خواه در مجالس مقننه و خواه در مؤسسه و انجمنهای اجتماعی از قبیل انجمنهای ایالتی و ولایتی و بلدی و غیره.
 سوم - محرومیت از عضویت هیئت منصفه و شغل مدیری و معلمی در مدارس و روزنامه‌نویسی و مصدقی و حکم یا شاهد تحقیق شدن.
 از طرف دیگر ماده ۸ قانون مجازات عمومی مجازاتهای جنایت را بر شمرده و چنانچه جرمی مستلزم این مجازاتها بود از درجه جنائی محسوب می‌شد و مرتکب تبعاً از حقوق اجتماعی محروم می‌گردید. مجازاتهای مذکور عبارت بودند از:

اول - اعدام
 چهارم - حبس مجرد

دوم - حبس مؤبد با اعمال شاقه
 پنجم - تبعید

سوم - حبس موقت با اعمال شاقه
 ششم - محرومیت از حقوق اجتماعی

به این ترتیب آدمربایان مرتکب جرائم مذکور در مواد ۲۰۲ و ۲۰۳ و بند الف ماده ۲۰۹ و ماده واحده تشدید مجازات رانندگان متخلف که از نوع جنائی بودند، تبعاً از حقوق اجتماعی محروم می‌شدند.

با تصویب قانون مجازات عمومی اصلاحی مصوب سال ۱۳۵۲ ماده ۱۵ این قانون مجازاتهای تبعی و تکمیلی را افزایش داده و آثار بیشتری را برای محرومیت از حقوق اجتماعی در نظر گرفت.

مجازاتهای تبعی و تکمیلی در ماده ۱۵ این قانون عبارتند از:

- اول - محرومیت از تمام یا بعضی از حقوق اجتماعی
- دوم - اقامت اجباری در محل معین
- سوم - ممنوعیت از اقامت در محل معین
- چهارم - محرومیت از اشتغال به شغل یا کسب یا حرفه یا کار معین و یا الزام به انجام امر معین

پنجم - بستن موسسه

ششم - محرومیت از حق ولایت یا حضانت یا وصایت یا نظارت
تبصره ۵- ماده ۱۹ به دادگاه اختیار تقلیل آثار مجازاتهای تبعی و تکمیلی و یا موقوف الاجرا، گذردان تمام یا قسمتی از آنها را داده است.
ماده ۸ قانون مجازات عمومی اصلاحی نیز مجازاتهای اصلی جنایت را اینچنین بر شمرده است:

- اول - اعدام
 - سوم - حبس جنائی درجه یک از سه سال تا پانزده سال
 - دوم - حبس دائم
 - چهارم - حبس جنائی درجه دوم از دو سال تا ده سال
- از آنجا که کلیه مجازاتهای تعیین شده در قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص مصوب سال ۱۳۵۳ از نوع جنائی بودند آدم را مشمول مجازاتهای تبعی می گردید.
برای نخستین بار پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مجلس شورای اسلامی با تصویب «قانون اصلاح دو ماده و الحاق یک ماده و یک تبصره به قانون مجازات اسلامی» در تاریخ ۱۳۷۷/۲/۲۷ مجازاتهای تبعی را با الحاق ماده ۶۲ مکرر و پنج تبصره به قانون مجازات اسلامی پیش بینی نموده است.
به موجب ماده ۶۲ مکرر «محکومیت قطعی کیفری در جرائم عمدی به شرح ذیل، محکوم علیه را از حقوق اجتماعی محروم می نماید و پس از انقضاء مدت تعیین شده و اجرای حکم رفع اثر می گردد:

- ۱- محکومان به قطع عضو در جرائم مشمول حد، پنج سال پس از اجرای حکم.
- ۲- محکومان به شلاق در جرائم مشمول حد یک سال پس از اجرای حکم.
- ۳- محکومان به حبس تعزیری بیش از سه سال، دو سال پس از اجرای حکم.

تبصره ۱- حقوق اجتماعی عبارتست از حقوقی که قانونگذار برای اتباع کشور جمهوری اسلامی ایران و سایر افراد مقیم در قلمرو حاکمیت آن منظور نموده و سلب آن به موجب قانون یا حکم دادگاه صالح می‌باشد از قبیل:

الف - حق انتخاب شدن در مجالس شورای اسلامی و خبرگان و عضویت در شورای نگهبان و انتخاب شدن به ریاست جمهوری.

ب - عضویت در کلیه انجمنها و شوراهای و جمعیت‌هایی که اعضای آن به موجب قانون انتخاب می‌شوند.

ج - عضویت در هیاتهای منصفه و امناء.

د - اشتغال به مشاغل آموزشی و روزنامه‌نگاری.

هـ - استخدام در وزارتخانه‌ها، سازمانهای دولتی، شرکتها، مؤسسات وابسته به دولت، شهرداریها، مؤسسات مأمور به خدمات عمومی، ادارات مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان و نهادهای انقلابی.

و - وکالت دادگستری و تصدی دفاتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفتر یاری.

ح - استفاده از نشان و مدالهای دولتی و عناوین افتخاری.

تبصره ۲- چنانچه اجرای مجازات اعدام به جهتی از جهات متوقف شود در این صورت آثار تبعی آن پس از انقضای هفت سال از تاریخ توقف اجرای حکم رفع می‌شود.

تبصره ۳- در مورد جرائم قابل گذشت در صورتی که پس از صدور حکم قطعی با گذشت شاکی یا مدعی خصوصی اجرای مجازات موقوف شود اثر محکومیت کیفری زایل می‌گردد.

تبصره ۴- عفو مجرم موجب زوال آثار مجازات نمی‌شود مگر این که تصریح شده باشد.

تبصره ۵- در مواردی که عفو مجازات آثار کیفری را نیز شامل می‌شود، همچنین در آزادی مشروط، آثار محکومیت پس از گذشت مدت مقرر از زمان آزادی محکوم علیه رفع می‌گردد.»

از لحاظ قانون نویسی بهتر بود بجای ماده ۶۲ مکرر ماده ۱۹ یا ۲۰ مکرر وضع می‌شد تا از لحاظ موضوعی در جایگاه مناسبتری باشد زیرا مواد ۱۹ و ۲۰ قانون مجازات اسلامی نیز به محرومیت از حقوق اجتماعی پرداخته‌اند.

از طرف دیگر صرف نظر از این که آیا مجازاتهای تبعی ضرورت دارند یا نه، ماده ۶۲ مکرر صرفاً محکومان به قطع عضو و شلاق در جرائم مشمول حد و محکومان به حبس تعزیری بیش از سه سال را در مدتهای معین از حقوق اجتماعی محروم کرده است و معلوم نیست چرا محکومان به حبس در جرائم مشمول حد و یا محکومان به قصاص عضو را مشمول این ماده ندانسته است.

همچنین در تبصره ۲ سخن از آثار تبعی مجازات اعدام به میان آمده است در حالی که مجازات اعدام ولو به جهتی از جهات موقوف الاجراء مانده باشد جزء محکومیت‌های مندرج در صدر ماده ۶۲ مکرر نمی‌باشد.

قانونگذار تنها برخی از مصادیق حقوق اجتماعی را با بیان عبارت «از قبیل» نام برده است و از این نظر دست قاضی را برای محروم کردن یا محروم دانستن محکوم علیه از قسمتی از حقوق اجتماعی قابل تصور باز گذاشته است. به نظر می‌رسد بهتر به جای بیان مصادیق حقوقی اجتماعی، آثار و عواقب محرومیت از حقوق اجتماعی به صورت حصری عنوان می‌شد.

گفتار دوم- مجازاتهای تتمیمی

قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۶۲ عنوان فصل سوم خود را به تقلید از قانون مجازات عمومی اصلاحی مصوب سال ۱۳۵۲ «مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی تبعی و تکمیلی» نامیده است که به نظر یکی از اساتید حقوق جزا این عنوان صحیحاً انتخاب نشده زیرا «اولاً؛ خود این عنوان در قانون ۵۲ در موضع صحیح به کار گرفته نشده بود زیرا با توجه به این عنوان به نظر می‌رسد که اقدامات تأمینی و تربیتی تبعی و تکمیلی نیز مانند مجازات‌ها وجود دارد، حال آنکه چنین نیست و ما در قانون سابق علی‌الاصول با مجازاتهای تبعی و تکمیلی مواجه بودیم ثانیاً: این عنوان برای قانون راجع به مجازاتهای اسلامی با توجه به عدم پیش‌بینی مجازاتهای تبعی و تکمیلی در این قانون صحیح نبود بلکه ماده ۱۴ همین قانون مجازاتهای تتمیمی اشاره می‌کرد طبق این ماده، هر کس به علت ارتکاب جرم عمدی به حکم تعزیری محکوم شود دادگاه می‌تواند محکوم علیه را به عنوان تتمیم حکم تعزیری (مقصود مجازات تعزیری است) مدتی از حقوق اجتماعی محروم و نیز اقامت در نقطه یا نقاط معین ممنوع یا به اقامت در محل معین مجبور نماید.

تبصره ذیل همین ماده اعلام می‌دارد که محرومیت از حقوق اجتماعی و اقامت در محل معین باید در مدت معین و به تناسب جرم باشد.»
اکنون مادتين ۱۹ و ۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ جایگزین ماده ۱۴ سابق شده‌اند.

فصل پنجم نتیجه

پدیده شوم آدم ربایی بخصوص در سالهای اخیر توجه همگان را به خود جلب کرده است به نحوی که قانونگذار در سال ۱۳۷۵ ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات و مجازتهای بازدارنده را به این جرم اختصاص داده است.

آدم ربایی یکی از مهمترین جرایم علیه شخصیت معنوی اشخاص است که توأم با جبر و عنف مادی و عملی بر ضد آزادی تن انسانها ارتکاب مییابد.

جرم مذکور در زمره جرایم غیرقابل گذشت بوده و جنبه عمومی دارد و دفاع به صورت ارتکاب قتل آدم ربا به عنوان یکی از فروض ممتاز دفاع مشروع، توسط قانونگذار مورد پذیرش قرار گرفته است.

آدم ربایی ممکن است به صورت ساده و یا توأم با کیفیات مشدده واقع شود. نوع اول در مورد اطفال تازه متولد شده و اشخاصی که پانزده سال تمام یا بیشتر از عمرشان میگذرد واقع میشود و نوع دوم، یعنی آدم ربایی مشدد علیه اطفال و سایر اشخاص توأم با ارتکاب جرایمی همچون تجاوزات جنسی، ایراد ضرب و جرح و سایر صدمات روحی و حیثیتی و حتی قتل رخ میدهد.

سوال اصلی ما در فصل اول تعریف آدم ربایی و ارکان تشکیل دهنده آن بود که با توجه به حاصل تحقیق حاضر پاسخ به شرح ذیل میباشد:

آدم ربایی عبارت است از ربودن موجود انسانی و نقل مکان دادن او از محلی به محل دیگر برخلاف میل و اراده وی.

آدم ربایی نیز همانند جرایم دیگر مرکب از سه عنصر قانونی، مادی و روانی میباشد.

مادتين ۶۲۱ و ۶۳۱ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵ در حال حاضر عنصر قانونی این جرم را تشکیل میدهند.

برای کامل شدن عنصر مادی وجود شخص ربوده شده و ارتکاب فعل مثبت ربایش علیه وی ضرورت دارد.

منابع و مأخذ

- ۱- بازگیر یدالله-، ۱۳۷۵، علل نقض ارای کیفری در شعب دیوان عالی کشور، نشر حقوقدان، چاپ اول.
- ۲- بوشهری جعفر، ۱۳۵۴، حقوق اساسی، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هفتم.
- ۳- پاد ابراهیم، ۱۳۵۲، حقوق کیفری اقتصادی، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- ۴- حبیب زاده محمد جعفر، ۱۳۷۳، حقوق جزای اختصاصی، انتشارات سمت، چاپ اول.
- ۵- زراعت عباس، ۱۳۷۷، شرح قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات، نشر فیض، دانشگاه کاشان، چاپ اول.
- ۶- صانعی پرویز، ۱۳۷۲، حقوق جزای عمومی، انتشارات کتابخانه گنج دانش، چاپ پنجم.
- ۷- قاضی شریعت پناهی ابوالفضل، ۱۳۶۸، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۸- متین دفتری احمد، ۱۳۴۰، مجموعه رویه قضایی بخش کیفری، چاپ افتاب.
- ۹- نجفی محمدحسین، ۱۳۶۳، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد ۴۱، انتشارات دارالکتاب اسلامی، چاپ دوم.
- ۱۰- j c smith and brian Hogan, ۱۹۸۸, criminal law, six edition, London edinburgh.